

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۴/۲۰

تاریخ تصویب مقاله: ۹۷/۱۱/۶

## استلزامات تربیتی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی جان دیویی در نظام آموزش از دور ایران

دکتر محمدرضا سرمدی\*، دکتر زهره اسمعیلی\*\*، دکتر مهران فرج الهی\*\*\*  
و سید صاحب موسوی\*\*\*\*

### چکیده

هدف از این پژوهش، مطالعه مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی از دیدگاه دیویی و استلزامات تربیتی آن در نظام آموزش از دور ایران است. ۶ مؤلفه زیبایی‌شناسی دیویی (شامل وحدت و انسجام، خودآگاهی کیفی، احساس، ابراز، تخیل و تجسم) و استلزامات تربیتی آن‌ها در محتوا، روش تدریس و ارزشیابی آموزش از دور ایران مورد بررسی قرار گرفت. روش انجام پژوهش توصیفی و از نوع کاربردی است. به‌منظور گردآوری داده‌های لازم برای پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش، همه منابع و مراجع مرتبط با استفاده از فرم گردآوری داده‌ها و یافته‌ها به شیوه کیفی تحلیل شد. بدین منظور سعی شده است داده‌ها از منابع مختلفی نظیر پژوهش‌ها، تولیدات تربیتی، تألیفات و کتب علمی، منابع خارجی و انسانی و نظایر آن جمع‌آوری شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل تفسیر استفاده شد. نتایج پژوهش در زمینه میزان تناسب مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی با حوزه

\* استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

\*\* استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

\*\*\* استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

\*\*\*\* دانشجوی دکتر فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ssmf56@gmail.com

آموزش از دور نشان داد که اکثر استلزامات تربیتی استخراج شده در منابع مکتوب متناسب با آموزش از دور می‌باشد؛ از جمله خارج کردن محتوا از بسط و سکون، یکپارچگی و انسجام در محتوا، معنادار کردن هیجانان انسان، پرورش احساسات متعالی و بیداری وجدان انسانی، ایجاد کنش و واکنش و تعامل بین فرد و محیط، انطباق دادن بین امور قبلی و جدید، انتقال سریع مفهوم و استقلال فکری فراگیران، ایجاد شور و نشاط در زندگی افراد و بانشاط کردن کلاس درس است.

**واژگان کلیدی:** زیبایی‌شناسی، دیویی، استلزامات تربیتی، آموزش از دور.

#### مقدمه

انسان موجودی چندبُعدی است و انتظار می‌رود که نظام‌های تعلیم و تربیت به تبع ابعاد مختلف وجودی او، به پرورش همه‌جانبه‌قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسان توجه داشته باشند. بدیهی است که پرورش هر یک از قوا و توانایی‌های موجود انسانی، امکانات و فرصت‌هایی را برای فرد و جامعه فراهم می‌سازد و نتایج و تأثیراتی را در پی خواهد داشت.

پارادایم نظری حاکم بر دنیای اندیشه و نظر به‌طور عام و به تبع آن بر نظام‌های تعلیم و تربیت به‌طور خاص، منجر به آن شده که عمدتاً بر بُعد شناختی تأکید شود و سایر ابعاد وجودی انسان نادیده گرفته شده یا مورد کم‌توجهی قرار گیرند (آیزنر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۷).

در اکثر نظام‌های آموزش و پرورش، به‌طور انحصاری بر مجموعه‌هایی از صلاحیت‌های از پیش تعیین شده تکیه می‌شود که از طریق به‌یادسپاری طوطی‌وار و تکراری کسب می‌شوند؛ در نتیجه فرصت‌های دانش‌آموزان را برای تربیت در جنبه‌های دیگر از جمله جنبه‌های هنری نادیده می‌گیرند (رضایی، ۱۳۸۳). در هنر یکی از مهم‌ترین بحث‌ها، زیبایی است که مکاتب علمی، فلسفی و دینی نیز به‌نحوی از آن سخن گفته‌اند. زیبایی‌شناسی، نظام و

<sup>۱</sup> Eisner

دیدگاهی فلسفی است. آنچه در این نظام مطرح می‌شود عبارت‌اند از: معنی و تعریف زیبایی، خاستگاه و چگونگی پیدایش تصورها و تصدیق‌های مختلف درباره زیبایی، ذهنی یا عینی بودن آن، فلسفه زیبایی و امروزه فلسفه هنر در تاریخ تمدن بشر و به‌خصوص نقش و ارتباط شناخت زیبایی و هنر و دیگر دستاوردهای ذوقی بشر (افراسیاب پور، ۱۳۸۰: ۱۷). از آنجاکه جهان به‌طور فزاینده‌ای پیچیده، مبهم و متنوع شده است، نوع تفکر موردنیاز برای عمل و تعامل در جهان نیز باید پیچیده باشد؛ برای مثال خلاقیت، سازگاری، ارتباط و همدردی. تحقیقات نشان می‌دهد که این نوع تفکر به‌وسیله تجربه زیبایی‌شناختی و گفتگوی غیرمستقیم مطرح می‌شود. ترکیب این‌ها به‌عنوان فرایندهای شناخت، یک روش غیرواقعی در جهت هدایت آموزش به‌سوی یادگیری سازنده‌گرایانه محور فراگیران است (چاپمن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳).

ماکسین گرین<sup>۲</sup> (۱۹۸۱) عقیده دارد که هنر و زیبایی عموماً در مؤسسات تربیتی مورد غفلت قرار گرفته است (الیاس<sup>۳</sup>، ۱۳۸۱). امروزه زیبایی‌شناسی به‌عنوان یکی از مباحث کمتر پرداخته‌شده فلسفی در تعلیم و تربیت، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. لزوم ورود مباحث مربوط به زیبایی در سازوکار تعلیم و تربیت و فعالیت‌های مرتبط با آن، از مدت‌ها قبل توسط اندیشمندان و فلاسفه حوزه تربیت زیبایی‌شناسی مورد تأکید و توجه بوده است<sup>۴</sup>. هید، استابروک و نوسترانت<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) معتقدند که برنامه درسی هنر باید شامل مؤلفه‌های تولید، تاریخ هنری، زیبایی‌شناسی و انتقاد هنری باشد.

1. Chapman

2. Greene

3. Elias

۴. از مشهورترین اندیشمندانی که در این زمینه صاحب آرای تأثیرگذاری بودند می‌توان از افلاطون، ارسطو، هربرت رید، جان دیویی، فردریک شیلر، هری برودی، ماکسین گرین، الیوت آیزنر و از میان اندیشمندان مسلمان می‌توان از فارابی و علامه محمدتقی جعفری نام برد.

5. Heid, Estabrook, Nostrant

آنتنه و ویشاتی<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان دادند که در مراکز آموزشی ما، بی‌توجهی به زیبایی‌شناسی در آموزش وجود دارد تا کمبود معلمان و مربیان. همچنین تأکید می‌کنند این توجه به زیبایی‌شناسی از همان دوران ابتدایی به معلمان آموزش داده شود.

بوود<sup>۲</sup> می‌گوید: زیبایی‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که درباره ماهیت زیبایی بحث می‌کند (بوود، ۲۰۰۸: ۳۴). حامیان تربیت زیبایی‌شناسی، در آثار متعدد خود نقش بی‌بدیل زیبایی را در ارتقاء کیفیت آموزش و یادگیری متذکر شده‌اند (آیزنر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸، ۲۰۰۲، ۲۰۰۹؛ مهرمحمدی، ۱۳۸۰، ۱۳۶۸، ۱۳۸۳، ۱۳۹۰). صرف‌نظر از تفاوت‌های اساسی در دیدگاه‌های فلسفی اندیشمندان این حوزه، این نوع تربیت مترادف با تربیت هنری و به‌طور عام به معنای تربیت در قلمرو هنرها و از طریق هنرهاست (الیاس<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵؛ ترجمه ضرابی، ۱۳۸۱).

مطالعه کو و چو<sup>۵</sup> (۲۰۱۴) نشان داد که ابزارهای هنری و زیبایی‌شناسی از جمله موسیقی، هنرهای تجسمی و... بدون تردید در فرایند یادگیری و توسعه آموزش مؤثر خواهد بود.

کیم<sup>۶</sup> (۲۰۰۹) معتقد است، تجارب زیبایی‌شناسی ما را به درکی عمیق‌تر و لذت‌بخش‌تر از آنچه ما یاد می‌گیریم، هدایت می‌کند.

آیزنر (۱۹۸۵) دلایل متعددی را برای ضرورت زیبایی‌شناختی در آموزش مطرح می‌کند: ۱- زیبایی‌شناختی برای یادگیرندگان در آموزش می‌تواند ایجاد انگیزه کند. ۲- چالش‌های موجود در کتاب‌های درسی در جامعه دموکراتیک را برای فراگیران مطرح

<sup>1</sup>. Atalay Mesfin Anteneh, Bekele Wubshete

<sup>2</sup>. Budd

<sup>3</sup>. Eisner

<sup>4</sup>. John L. Elias

<sup>5</sup>. Chia-Hui Ko & Mei-Ju Chou

<sup>6</sup>. Jiwon Kim

می‌کند. ۳- تجربه زیبایی‌شناختی پاداش را برای یادگیری فراهم می‌کند و سبب رضایت درونی و ایجاد شادی در فراگیران خواهد شد. ۴- دانش زیبایی‌شناسی سبب می‌شود شما تصویر بزرگ‌تری از موضوع را ببینید.

دناک<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) معتقد است، در تمام دوران مهم گذشته و تا حدی نیز در دوران حاضر، ما شاهد فاصله گرفتن سلطه عقل‌گرایی در تأکید بر اهمیت زیبایی‌شناسی و آموزش هنری بوده‌ایم. تقریباً از سال ۱۹۸۵ آموزش زیبایی‌شناسی در خط‌مشی‌های آموزشی برخی از کشورها مورد توجه بوده است (لینمن، عباسی و الحسن، ۲۰۱۳).

مهرمحمدی (۱۳۹۰) در پژوهشی یازده راهبرد را با الهام از عالم زیبایی‌شناسی و هنر برای بهبود کیفیت آموزش برمی‌شمارد که عبارت‌اند از: داشتن منش فکورانه و جرأت‌ورزی نسبت به تعدیل رویه‌های توصیه‌شده و تجربه‌شده، پیش‌بینی فرصت‌های یادگیری از نوع پروژه‌ای، تدارک تجربه شکست، انتخاب قالب بازنمایی مورد دلخواه از سوی دانش‌آموز، ایجاد انعطاف در برنامه درسی، وارد ساختن شگفت‌زدگی به جریان تعلیم و تربیت، توجه به تأنی و تأمل در تربیت، توجه به اصل اتصال یادگیری‌های بعدی به آنچه کودکان می‌توانند تصور کنند، اهتمام به ارزشیابی کیفی، توأم ساختن شناخت با احساس و همچنین توجه به مقوله زیباشناسی و دل‌نشینی از طریق اهمیت‌دادن به قالب بیان مقصود و اموری مانند آرایش کلاس و... .

آنتیلا (۲۰۱۵) تأکید کرد که توجه به زیبایی‌شناسی در آموزش، زمینه‌ساز دست‌یابی فراگیران به دیدگاه مشترک و همچنین یک منبع توانمندسازی برای آن‌ها خواهد بود. توجه و اهتمام عملی به تربیت هنری در نظام آموزشی، امری خردمندانه است و باعث رشد در ابعاد علمی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و... می‌شود (مهرمحمدی، ۱۳۹۰: ۷).

<sup>۱</sup>. Denac

با این حال با توجه به اولویت‌بندی‌های معاصر، تربیت زیبایی‌شناختی در مقام عمل، در رتبه پایین‌تری قرار دارد (الیاس، ۱۳۸۱).

آنتیلا و سانسوم<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) تأکید می‌کنند که آموزش زیبایی‌شناختی فرصت را برای کشف احساسات فراگیران و همچنین زمینه را برای تشویق بیشتر آن‌ها به مشارکت فعال فراهم می‌سازد.

در بین اندیشمندان و فلاسفه معاصر، دیویی در قرن بیستم مفهوم زیبایی‌شناسی در امر تعلیم و تربیت را مطرح کرد و به روشن کردن رابطه بین تجربه‌های زیبایی‌شناسی و زندگی پرداخت. وی در فلسفه پراگماتیسم خویش، بر روی تمام زمینه‌های منطق، متافیزیک، معرفت‌شناسی، روان‌شناسی و تعلیم و تربیت کار کرد و در نهایت با بیان درک خود از زیبایی‌شناسی و تأکید بر هنر به اوج خود رسید (زتنر<sup>۲</sup>، ۱۹۷۵). از دهه ۱۹۷۰ محققان فلسفه تعلیم و تربیت، توجه روزافزونی به درک و تصدیق اهمیت تحول زیبایی‌شناسی دیویی نشان دادند. آثار (زتنر، ۱۹۷۵)، (کاپفر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۳)، (الکساندر<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷)، (شاترمن<sup>۵</sup>، ۱۹۹۲، ۲۰۰۰)، (گاریسون<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷)، (جکسون<sup>۷</sup>، ۱۹۹۸)، (گرانگر<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶)، همگی با الهام گرفتن از نظرات دیویی درباره زیبایی‌شناسی، هنر و تربیت آثار خود را تقویت و ارتقا بخشیدند.

محققان تربیتی نیز به اهمیت تجربه زیبایی‌شناسی دیویی در تعلیم و تربیت پی برده، مقالات و پژوهش‌های کمی و کیفی انجام داده‌اند که اهمیت موضوع را نشان می‌دهد.

1. Anttila & Sansom

2. Zeltner

3. Kupfer

4. Alexander

5. Shusterman

6. Garrison

7. Jackson

8. Granger

از جمله آن‌ها (گیرو، تایمن، ووچیکویز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰)، (کیلی و وستوود<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰)، (ناکامارا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹)، (رامچر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹) را می‌توان نام برد. زیبایی‌شناسی از نظر دیویی تجربه‌ای است کامل، عالی، پربار و همراه با شور و حرارت در برابر نیازها و اهداف اساسی در سراسر زندگی است. وی معتقد بود که انسان نیاز به بازیافتن خویش دارد و این امر از طریق زیبایی‌شناسی که همواره با پردازش‌های عادی زندگی تداوم دارد، انجام می‌شود (دیویی، ۱۹۸۰). از نظر دیویی، اگر نهادهای آموزشی نتوانند شرایط و زمینه‌های لازم را برای بروز و ظهور کیفیات زیبایی‌شناختی تجربه‌ها فراهم کنند، قادر به بهبود و ارتقای یادگیری و تربیت شهروندان دموکراتیک نخواهند بود (آرنشتاین، ترجمه سجادی، ۱۳۷۸).

کرفلیک<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) بیان می‌کند که زیبایی‌شناسی، زمینه را برای شناخت و اشتراک‌گذاری دانش فراهم می‌سازد. اسپیواک<sup>۶</sup> (۲۰۱۲) معتقد است توجه به زیبایی‌شناسی زیبایی‌شناسی در امر آموزش، سبب انسجام‌بخشی احساسات افراد خواهد شد. دیویی نیز مطابق با همین دیدگاه به انسجام‌بخشی احساسات در امر زیبایی‌شناسی توجه و تأکید دارد؛ به همین دلیل، دیویی تصریح می‌کند که کل تعلیم و تربیت، به غیر از ابعاد حرفه‌ای آن، باید زیبایی‌شناسانه باشد و به تبع آن همه تلاش‌های جدی مربوط به تدریس باید به قصد خلق شرایطی صورت گیرد که طی آن، تجربه یادگیرنده جنبه زیبایی‌شناختی پیدا کند. دیویی معتقد است که ما به‌عنوان یک انسان در دنیای مدرن نیازمند تغییر هستیم، همچنین نیازمند پرسشگری هنری هستیم تا به مجموعه‌ای از دانش و مهارت دست‌یابیم (دیویی، ۱۹۸۸: ۱۵۰؛ ۲۰۰۸: ۲۷۴؛ ۱۹۸۹: ۱۳۹). از نظر دیویی، زندگانی انسان واجد یک

1. Girod, Twyman & Wojcikiewicz

2. Kelly & Westwood

3. Nakamara

4. Uhmacher

5. Kroflič

6. Spivak

ویژگی و کیفیت کمال‌جویانه و متعالی‌شونده است. این ویژگی خود اساساً، یک مقوله زیبایی‌شناسانه است (آرنشتاین، ترجمه سجادی، ۱۳۷۸). دیویی اعتقاد دارد که هنر دارای یک عملکرد اخلاقی است. هنر تنها پیام‌رسان اخلاقی نیست، بلکه به منظور آموزش و پرورش انسان‌هاست (کیم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹).

چوی و سجر<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) آموزش مبتنی بر زیبایی‌شناسی را به‌عنوان یک چارچوب جایگزین برای درون‌گرایی اخلاقی در برخورد با مشکلات اخلاقی در کره مطرح می‌کنند. پرورش انسان متعادل و متوازن در گرو توجه به تمام جنبه‌های وجودی و ابعاد مختلف شخصیتی اوست؛ درحالی که در نظام کنونی، تعلیم و تربیت توجه خود را به جنبه‌های عملی و پرورش ابعاد شناختی معطوف ساخته و از بُعد زیبایی‌شناختی و هنری زندگی غافل مانده است (علیق، ۱۳۹۰: ۲۲). رید، متفکر شهیر انگلیسی در اظهارنظری حکیمانه و درعین حال تعجب‌برانگیز گفته است: «غالب تربیت، آماده‌ساختن فرد به‌عنوان یک هنرمند است» (مهرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۳).

نقش زیبایی‌شناسی در آموزش بسیار مهم است. بی‌توجهی به بُعد زیبایی‌شناسی در آموزش سبب ایجاد اضطراب در فراگیران خواهد شد (گرین، ۱۹۹۵).

آیزنر (۲۰۰۲: ۲۰۹-۱۹۶) بیان می‌کند: «تعلیم و تربیت می‌تواند از هنر، هشت آموزه و درس از قبیل اهمیت‌دادن به تخیل، توجه به انگیزه درونی و... را فراگیرد». اسمیت<sup>۳</sup> (۲۰۰۴: ۱۶۳) نیز می‌گوید: «نظریه‌پردازان برنامه درسی جنبه‌های متنوع تحصیل آموزشی، تدریس، یادگیری، ارزشیابی، مدیریت و جو مدرسه را از چشم‌انداز زیبایی‌شناسی بررسی می‌کنند». لیم<sup>۴</sup> (۲۰۰۵)، هارتر<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که

<sup>۱</sup>.Kim

<sup>۲</sup>. Choi & Soje

<sup>۳</sup>. Smite

<sup>۴</sup>.Lim

<sup>۵</sup>.Harter et al.



تجربیات زیبایی‌شناختی نه فقط در آموزش مرتبط با رشته‌های هنری، بلکه در آموزش مرتبط با سایر رشته‌ها سبب موفقیت فراگیران خواهد شد.

نگاهی به مدل‌های برنامه‌ریزی درسی از قبیل مدل تایلر (۱۳۸۳)، مدل وارونه تابا<sup>۱</sup> (به نقل از هنس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰: ۱۴۰) مدل التقاطی زایس<sup>۳</sup> (همان منبع: ۱۴۸)، مدل طبیعت‌گرای واکر<sup>۴</sup> (به نقل از مارش، ۲۰۰۴: ۲۰۶)، مدل برنامه‌ی درسی متوازن تاملینسون<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۹: ۱۵) ... که در ادبیات رشته‌ی مطالعات برنامه‌ی درسی شاهد آن‌ها هستیم، نشان می‌دهد که حوزه‌ی زیبایی‌شناسی و هنر در مدل‌های برنامه‌ی درسی جایگاه چندانی نداشته است و از این منظر می‌توان گفت که بهره‌گیری از هنر در ظرفیت تعدیل یا تصحیح نگاه به کل جریان تعلیم و تربیت و دستیابی به چشم‌انداز، فلسفه و پارادایم جدیدی است که کاملاً در حاشیه نگاه داشته شده و توجه به آن از اولویت برخوردار است (مهرمحمدی، ۱۳۹۰).

مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که در برنامه‌ی درسی به اهداف کلی توجه شده و از توجه به بُعد زیبایی‌شناسی در آموزش و برنامه‌ی درسی غفلت شده است (دیناک<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱). امروزه آموزش و پرورش فراگیران در آموزش عالی بیش از هر زمان دیگری مستلزم سواد زیبایی‌شناختی است (هکرت و لدر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷؛ دانهیو<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳؛ استنبرگ، کافمن و پرتز<sup>۹</sup>، ۲۰۰۲ و گرین<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۹). سایر<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۸) معتقد است، آموزش در آموزش عالی

1. The Taba inverted model
2. Henson
3. The Zais eclectic model
4. Walkers naturalistic model
5. The Tomlinson parallel curriculum model
6. Denac
7. Hekker&Leder
8. Donoghue
9. Sternberg, Kaufman, & Pretz
10. Greene
11. Sawyer

بدون توجه به امر زیبایی‌شناسی صرفاً محدود به امور ذهنی می‌شود. زیبایی‌شناسی حضورش نامشهود است حتی کمتر از مفهوم خلاقیت در آموزش فراگیران در دسترس و مورد توجه است.

با توجه به نقشی که زیبایی‌شناسی در بهبود و رشد تعلیم و تربیت دارد، تحقیقات کافی در این زمینه صورت نگرفته است و با توجه به پژوهش‌هایی که در زمینه تربیت هنری و زیبایی‌شناسی صورت گرفته است، به طور کلی می‌توان گفت که هنر و تربیت هنری در رشد و پرورش قابلیت‌ها و استعدادهای دانش‌آموزان، هم در تحقق اهداف شناختی و هم در دستیابی به اهداف عاطفی و هم بروز و تحقق اهداف روانی حرکتی، نقش غیرقابل‌انکاری دارد. تربیت زیبایی‌شناسی در فراهم‌ساختن امکان‌ها و ایده‌آل‌های ارزشی که جزء لاینفک و جدایی‌ناپذیر قلمرو زیبایی‌شناسی هستند؛ نقش اساسی ایفا می‌کند. تربیت زیبایی‌شناسی همچنین می‌تواند ادراک تخیل را از راه نمونه‌ها و مثال‌های زیباشناختی تقویت کند.

علی‌رغم توجه فلاسفه و صاحب‌نظران غربی درباره اهمیت و نقش زیبایی‌شناسی در تعلیم و تربیت، این مفاهیم در تعلیم و تربیت کشور ما مغفول مانده است. زیبایی‌شناسی اگرچه از موقعیت مهمی در فلسفه و جهان‌بینی اسلامی برخوردار است، اما به دلایل مختلف تاریخی و علمی و اجتماعی تضعیف شده و در سطح مباحث نظری و ادبی باقی‌مانده و تقریباً هیچ نقشی در علوم اسلامی و به‌خصوص تعلیم و تربیت اسلامی در عصر ما ایفا نکرده است. باین حال درنگی در منابع اسلامی که به دست ما رسیده است، این نوید را می‌دهد که زیبایی‌شناسی می‌تواند در نظریه‌پردازی و همچنین در مسائل کاربردی تربیت اسلامی و به‌خصوص آموزش از دور به‌عنوان یک بُعد معرفتی و محرک عاطفی و رفتاری فعال در فرایند تعلیم و تربیت معاصر، مشارکتی اساسی داشته باشد.

در دهه اخیر، آموزش از دور با توجه به دلایلی همچون پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، افزایش چشمگیر متقاضیان ورود به آموزش عالی، کمبود بودجه،

ظرفیت پایین آموزش عالی برای جذب حضوری همه متقاضیان، تغییرات اقتصادی و اجتماعی، مقرون‌به‌صرفه و راحت بودن و لزوم یادگیری مادام‌العمر، سرعت چشمگیری داشته است.

فناوری<sup>۱</sup> تقریباً در هر جنبه‌ای از زندگی روزمره وجود دارد و به دلیل قدمتش ضرورت دارد که از طریق آموزش از دور وارد سیستم آموزشی<sup>۲</sup> شود. آموزش از دور از بدو شروع از طریق دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها دنبال شد (شری<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶). شبکه جهانی وب<sup>۴</sup>، وب<sup>۴</sup>، اینترنت را به قدری تغییر داده که امتیاز و وسیله‌ای برای آموزش شده است؛ زیرا از سال ۱۹۸۰ کالج‌ها و دانشگاه‌ها پذیرفته‌اند که اینترنت و رایانه تجربه آموزشی<sup>۵</sup> را تقویت می‌کند (کلارک<sup>۶</sup>، ۱۹۸۳؛ وانگ و چی<sup>۷</sup>، ۱۹۹۱).

آموزش از راه دور عبارت است از سازمان‌دهی فرایند یاددهی - یادگیری و ارزیابی تحصیلی توسط یک مؤسسه با درجه انعطاف بالا، برای فرصت‌دهی برابر همگان (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۷).

یکی از تعاریف انجمن آموزش از دور آمریکا از آموزش از دور عبارت است از «یک روند آموزشی چارچوب مشخص سازمانی فراهم‌آورنده آموزش از دور، به نحوی است که دانش‌آموز و معلم از یکدیگر جدا بوده و تکنولوژی‌هایی (مانند صدا، تصویر، دیتا و...) پرکننده این فاصله می‌باشند (گلووسری<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲: ۴۵).

<sup>1</sup>.Technology

<sup>2</sup>.Educational system

<sup>3</sup>.Sherry

<sup>4</sup>.World Wide Web

<sup>5</sup>.educational experience

<sup>6</sup>.Clark

<sup>7</sup>.Wang & Chee

<sup>8</sup>.USDL Glossary

آلی<sup>۱</sup> (۲۰۰۴: ۵) آموزش از دور را استفاده از اینترنت برای دسترسی به مطالب یادگیری<sup>۲</sup>، تعامل با محتوا، یاددهنده و سایر یادگیرندگان، پشتیبانی شدن در فرایند یادگیری، یادگیری، کسب دانش، ساختن معنای شخصی و رشد کردن از طریق تجربه یادگیری تعریف کرده است.

آموزش از دور را می‌توان به‌عنوان یک فناوری آموزش و پرورش مشخص تعریف کرد که در آن دانش آموز و معلم در یک محیط قرار ندارند (آیدن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵)؛ سبک آموزشی و پرورشی که در آن یادگیرندگان در هر زمان و مکان‌های مختلف با معلمان خود در تعامل هستند (ارتورگوت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸).

افراد، از آموزش از دور برای تقویت فردی<sup>۵</sup> و یاددهندگان، برای آموزش دادن به یادگیرندگان ساکن در نواحی روستایی دوردست استفاده می‌کنند. این مزایای زیاد به آموزش از دور امکان می‌دهد تا وسیله آموزشی مناسبی<sup>۶</sup> برای برنامه‌های تحصیلی و مدارج تحصیلی<sup>۷</sup> باشد (برودی-اورتمان، ۲۰۰۲؛ رووای<sup>۸</sup>، ۲۰۰۲).

کیگان (۲۰۰۳) معتقد است، آموزش از دور دارای پنج ویژگی مهم است؛ از جمله: جدایی زمانی و مکانی یاددهنده و یادگیرنده، استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی از جمله اینترنت، وجود عنصر تعامل آموزشی بین یاددهنده، یادگیرنده و محتوا، وجود یک سازمان پشتیبانی کننده آموزشی و انفرادی شدن آموزش و استقلال عمل یادگیرنده است.

1. Ally

2. Learning materials

3. Ayn

4. Erturgut

5. Personal enhancement

6. favorable transport of education

7. secondary and degree programs

8. Rovai

آموزش از دور نوعی آموزش و یادگیری است که در آن آموزگار و فراگیر یا فراگیران از نظر جغرافیایی جدا از یکدیگر هستند (جارویس<sup>۱</sup>، ترجمهٔ سرمد، ۱۳۸۳). یکی از دلایل رشد یادگیری از دور این است که مطالب یادگیری<sup>۲</sup> را می‌توان به راحتی از طریق اینترنت و نمایشگر رایانه<sup>۳</sup> انتقال داد (وبستر و هاگلی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷؛ میلر و میلر<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹). یاددهندگان به دلیل علاقهٔ روزافزون و توجه جهانی به یادگیری از دور، ضرورت دارد فناوری را در کلاس درس بپذیرند یا حتی قبول کنند که برخی از فناوری‌ها را می‌توان جایگزین کلاس درس کرد (وانگ و چی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱).

افراد از آموزش از دور برای تقویت فردی<sup>۷</sup> و یاددهندگان، برای آموزش دادن به یادگیرندگان ساکن در نواحی روستایی دوردست استفاده می‌کنند. این مزایای زیاد به آموزش از دور امکان می‌دهد تا وسیلهٔ آموزشی مناسبی<sup>۸</sup> برای برنامه‌های تحصیلی و مدارج تحصیلی<sup>۹</sup> باشد (برودی-اورتمان، ۲۰۰۲؛ رووای<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۲).

در آموزش از دور و کلاً آموزش و پرورش ایران، بیشتر به جنبهٔ شناختی توجه شده و از کنار جنبهٔ عاطفی و هنری به راحتی می‌گذرند که این باعث دلزدگی فراگیران از امر یادگیری و دیگر آسیب‌ها شده است. «هنر و زیبایی‌شناسی زمینه‌های لازم را برای خودنگری، خودیابی، خودشناسی، کشف قابلیت‌های درونی و روانی و نیز ادراک خویش

1. Jarvis,P

2. learning materials

3. computer monitor

4. Webster & Hackley

5. Miller & Miller

6. Wang & Chee

7. Personal enhancement

8. Favorable transport of education

9. Scodary and degree programs

10. Rovai

که حاصل آن رشد اعتماد به نفس و تقویت خودپنداری است، فراهم می‌کند» (امینی، ۱۳۸۴: ۷۰).

پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه آموزش از دور نشان می‌دهند که مزایای این محیط زیاد است (رورکه، آندرسون، گاریسون، آرچر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱؛ سیمونسون، اسمالدینو، آلبرایت، واسک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ جیانگ و تینگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰؛ وارد و نیولاندز<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸)؛ به‌خصوص راحتی، انعطاف‌پذیری و دسترسی‌پذیری در هر زمان و مکانی (هاراسیم، هیلتز، تلس، توروف<sup>۵</sup>، ۱۹۹۵؛ ماتیوز<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹؛ سوآن، شی، فردریکسون، پیکت، پلز، و ماهر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰؛ جیانگ<sup>۸</sup>، ۱۹۹۸؛ هاراسیم، ۱۹۹۰؛ برگ<sup>۹</sup>، ۱۹۹۷). آموزش از دور هزینه‌ها را کاهش داده، حضور از دور، انعطاف‌پذیری، تعامل، انگیزش، دسترسی و تعداد یادگیرندگان را افزایش می‌دهد (اومورو-اونوکا، ۲۰۰۲؛ لسللی و همکاران، ۲۰۰۹)، توانایی ایجاد یک محیط آموزشی غنی و انگیزشی را دارد (ویندشیتل<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۸).

اهمیت و ضرورت پرداختن به پژوهشی در باب نقش زیبایی‌شناسی از دیدگاه دیویی و دلالت‌های تربیتی آن در آموزش از دور ایران، از وجوه گوناگون قابل بررسی است. چالش حاضر در عصر ارتباطات و اطلاعات، تعلیم و تربیت را به‌طور عام و از همه مهم‌تر نظام آموزش از دور ایران را به‌طور خاص، تحت تأثیر خود قرار داده است.

<sup>1</sup> . Rourke, L., Anderson, T., Garrison, D.R., and Archer, W.

<sup>2</sup> . Simonson, M., Smaldino, S., Albright, M., and Zvacek, S.

<sup>3</sup> . Jiang, M. and Ting, E.

<sup>4</sup> . Ward, M., and Newlands, D.

<sup>5</sup> . Harasim, L.N., Hiltz, S.R., Teles, L., and Turoff, M.

<sup>6</sup> . Matthews, D.

<sup>7</sup> . Swan, K., Shea, P., Frederickson, E., Pickett, A. Pelz, W., and Maher, G.

<sup>8</sup> . Jiang, M.

<sup>9</sup> . Berge, Z.L.

<sup>10</sup> . Windschitl

بنت رایمر (۲۰۰۴) تصریح می‌کند که پژوهش‌های اخیر در زمینه کارکرد مغز بیانگر آن است که عاطفه<sup>۱</sup> ریشه و مبنای احساس، یادگیری و حتی تغییرات بدنی است. همچنین بروئر روان‌شناس شناختی نیز اذعان می‌کند که بشر دنیا را با چشم دل ادراک می‌کند، یعنی به‌ندرت ادراکی وجود دارد که آمیزه‌ای از هیجان، عاطفه و شناخت نباشد (دولت‌آبادی و عشایری، ۱۳۷۶: ۶۳). از طرف دیگر می‌توان گفت، هنر و زیبایی‌شناسی خاستگاه اصلی توجه به عواطف و زمینه‌ساز درک متعالی و خلاقانه است. در آموزش از دور به‌دلیل عدم تعامل حضوری مربی و فراگیر، برنامه‌های درسی، محتوا، روش تدریس چه به‌صورت الکترونیکی و چه حضوری و همچنین به‌منظور جذاب کردن آموزش، نیازمند پرورش هنرهای بدیع، خلاق و توجه به بُعد زیبایی‌شناسی تربیت هنری است که می‌توان گفت امروزه این حوزه (زیبایی‌شناسی) از جایگاه شایسته و والایی در نظام آموزش از دور ایران برخوردار نیست.

این پژوهش از آنجا اهمیت می‌یابد که ضمن بازنمایی مفهوم مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی با ارائه دلالت‌های تربیتی در آموزش از دور ایران، متقن و کاربردی، مفهوم سرشار و فراگیر زیبایی را در آموزش از دور وارد سازوکارهای تربیتی روزمره کند و از این حیث گامی در جهت رفع معضلات مذکور و نیل به اهداف غایی تعلیم و تربیت در آموزش از دور بردارد؛ بنابراین مسأله اصلی پژوهش حاضر «مطالعه مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی از نظر دیویی و استلزامات تربیتی آن در نظام آموزش از دور ایران» است.

۱- مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی برای محتوای آموزش از دور ایران چه استلزامات تربیتی می‌توانند ارائه کنند؟

۲- مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی برای روش تدریس آموزش از دور ایران چه استلزامات تربیتی می‌توانند ارائه کنند؟

<sup>۱</sup>. Emotion

۳- مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی برای ارزشیابی آموزش از دور ایران چه استلزامات تربیتی می‌توانند ارائه کنند؟

جدول ۱. پیشینه پژوهش (زیبایی‌شناسی و آموزش از دور)

ردیف	مؤلف	موضوع
۱	مهرمحمدی و عابدی (۱۳۸۰)	- آشنایی معلمان با مجموعه‌ای از مهارت‌ها - ابعاد زیبایی‌شناختی تدریس - ایجاد یادگیری بیشتر در یادگیرندگان
۲	صمدی و مهرمحمدی (۱۳۸۲)	- در انتقال حقایق و اندیشه‌های دینی مضاعف‌شدن پیام هنری با لذت زیبایی‌شناسی
۳	رضایی (۱۳۸۳)	- سواد زیبایی‌شناسی از اشکال چندگانه سواد - تربیت زیبایی‌شناختی از ارکان عمومی آموزش - تأکید بر مفاهیم تخیل، تصور و تجربه زیبایی‌شناسی
۴	توکلی (۱۳۸۳)	- میل به زیبایی از امور فطری انسان
۵	شمشیری و نقیب‌زاده (۱۳۸۴)	- تربیت هنری یا زیبایی‌شناسی از اهداف تعلیم و تربیت
۶	اسماعیل‌پور (۱۳۸۶)	- زیبایی به‌عنوان یک هدف در تمام دروس
۷	باقری (۱۳۸۷)	- برخوردار بودن امر زیبا از ویژگی‌های زیبا - «اعتلای ذائقه زیبایی» اصل متناظر با مبنای زیبایی و ارزش زیباشناختی
۸	علم‌الهدی (۱۳۸۸)	- زیبایی یکی از جلوه‌های هستی
۹	امامی جمعه (۱۳۸۹)	- اثبات نقش زیبایی در ایجاد محبت آفرینش عشق
۱۰	نجفی و متقی (۱۳۸۹)	- وارد نظام آموزشی شدن روش‌های مرتبط با تربیت زیبایی‌شناختی - تربیت زیبایی‌شناختی، تربیت کاملی است که حیطه‌های عقلانی، شناختی و عاطفی فراگیران را دربرمی‌گیرد.
۱۱	صادق‌زاده، حسنی، کشاورز و احمدی (۱۳۸۹)	- هدف تربیت زیبایی‌شناختی دستیابی به درک کلی از جهان هستی
۱۲	هاشم‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰)	- لذت‌بخشی، ایجاد دوستی و عشق، اعجاب و تحسین برانگیزی از آثار زیبایی
۱۳	بیده (۱۳۹۰)	- بی‌توجهی به قرار گرفتن زیبایی‌شناسی توسط پژوهشگران - هدف تربیت زیبایی‌شناسی فرایند پرورش تدریجی استعداد زیبایی‌شناسی و زیبایی‌آفرینی متریان



– اهداف، اصول و روش‌های تربیت زیبایی‌شناختی از دیدگاه علامه

جعفری

۱۴	علیق (۱۳۹۰)	– نقش مهم زیبایی‌شناسی و هنر در تعلیم و تربیت – بیان مهم‌ترین دلالت‌های تربیتی زیبایی‌شناختی ابوحنیف توحیدی – تأکید بر عدم توجه به ارتباط زیبایی‌شناسی و تربیت
۱۵	مهدوی‌نژاد، قدمی و افضل (۱۳۹۰)	– تأکید بر ویژگی بلاغت هنر و نیز جاودانگی هر مفهوم در تلافی با هنر
۱۶	فتحی واجارگاه، ابراهیم‌زاده، فرج الهی و خشنودی‌فر (۱۳۹۰)	– انعطاف‌پذیری بالای آموزش از دور – راهبردی اثرگذار برای بین‌المللی‌سازی برنامه‌های درسی در آموزش عالی
۱۷	نجفی، فرج‌اللهی، نوروز زاده و سرمدی (۱۳۹۱)	– تأکید بر نقش آموزش از دور بر توسعه دانش، نگرش، مهارت و رفتار فراگیران
۱۸	صابری و سعیدی رضوانی (۱۳۹۱)	– مؤثر بودن هنرهای بصری در تربیت دینی
۱۹	مهرمحمدی (۱۳۹۰)	– نقش هنر و زیبایی‌شناسی در تعدیل و تلطیف عملکرد نظام‌های تعلیم و تربیت
۲۰	رضایی (۱۳۹۲)	– بُعد هنری و زیبایی‌شناسی از ابعاد وجودی انسان
۲۱	مسگری و همکاران (۱۳۹۲)	– توجه به زیبایی – ایجاد دگرگونی
۲۲	انصاری و همکاران (۱۳۹۳)	– احساس، ابراز و تخیل در تجربه زیبایی‌شناسی از اجزای ضروری تربیت
		– عوامل مؤثر در زیبایی‌شناسی موجب تکمیل؛ تجربه، درک، معنی و فهم ارزش در افراد
۲۳	برودی (۱۹۹۱)	– زیبایی‌شناسی بخشی از آموزش و پرورش بنیادی
۲۴	گیسون (۱۹۹۲)	– نقش آموزش از دور در دگرگون کردن یادگیری
۲۵	الیوت آیزنر (۱۹۹۹)	– نقش منحصر به فرد تربیت هنری و زیبایی‌شناسی در تعلیم و تربیت – نقش هدفمند هنر برای ارتقاء سطح مهارت خواندن و نوشتن فراگیران
۲۶	مندوکی (۲۰۰۰)	– نبود مبانی شناختی در رشته‌های هنری – نقش مهم زیبایی‌شناسی در تربیت هنری
۲۷	آیزنر (۲۰۰۱)	– نقش هنر در عدم جدایی فرم و محتوا از یکدیگر
۲۸	مک لیندن و همکاران (۲۰۰۶)	– مهم بودن نقش آموزش از دور در میزان علاقه‌مندی فراگیران
۲۹	وندروین (۲۰۰۷)	– ارتباط تخیل و خلاقیت با هنر و ضرورت آن‌ها در آموزش و پرورش

۳۰	گیراد (۲۰۰۷)	- تأثیرات مهم هنر و زیبایی‌شناسی و تجربیات زیبایی‌شناسی در حوزه تربیت عملی
۳۱	یو (۲۰۰۸)	- ابعاد زیبایی‌شناختی دیویی: - احساس - همدردی - تخیل‌ورزی - اظهار
۳۲	ناکامارا (۲۰۰۹)	- جهانی‌سازی هنر بر پایه زیبایی‌شناسی
۳۳	اورماچر (۲۰۰۹)	- پیامدهای ایجاد تجربه یادگیری زیباشناسانه: - رضایتمندی دانش‌آموزان - افزایش دانش مفهومی - یادسپاری حافظه نامنسجم - معناسازی - خلاقیت و نوآوری
۳۴	تایمن و وجیکویز (۲۰۱۰)	- قرار گرفتن تجربه زیبایی‌شناسی در یک چارچوب عقلانی شناختی در برابر امر تدریس و یادگیری - تأثیر تجربه زیبایی‌شناسی در دانش‌آموزان در جهت متفاوت دیدن جهان
۳۵	کلی و وستوود (۲۰۱۰)	- با تجربه زیبایی‌شناسی دانش‌آموزان به درک و انسجام فرهنگی می‌رسند.
۳۶	دراون (۲۰۱۲)	- مزیت‌های زیبایی‌شناسی دیویی نسبت به آدرنو و بوردیو

- ۱ - همه پژوهش‌ها به مبانی نظری و ضرورت و اهمیت زیبایی‌شناسی پرداخته‌اند، ولی به کاربردی و عملی بودن آن به صورت عینی نپرداختند.
- ۲ - پژوهشگران ارتباط زیبایی‌شناسی را با آموزش و به‌خصوص آموزش از دور بررسی نکرده‌اند. شاید به‌صورت کلی بیان کردند که زیبایی‌شناسی در آموزش نادیده گرفته شده است، ولی هیچ‌کدام به پژوهشی در این زمینه نپرداخته‌اند و حتی اشاره‌ای هم

نکردند؛ بنابراین ضرورت پرداختن به موضوع پژوهش حاضر در قالب چالش‌ها و همخوانی با پژوهش‌های زیر امکان‌پذیر است:

جدول ۲. چالش‌ها و همخوانی‌ها با پژوهش حاضر

ردیف	موضوع	ضرورت/چالش	همخوانی
۱	- ارائه‌نشدن تربیت زیبایی‌شناسی برای تربیت فرد	ضرورت چالش	برودی (۱۹۹۱)
۲	- توجه کمتر به بُعد زیبایی‌شناسی در تربیت هنری	ضرورت چالش	مندوکی (۲۰۰۰)، آیزنر (۲۰۰۱) و گیراد (۲۰۰۷)
۳	- تأکید بیش از حد بر دیگر ابعاد تربیت و توجه کمتر به بُعد زیبایی‌شناسی	ضرورت چالش	مندوکی (۲۰۰۰)، آیزنر (۲۰۰۱) و گیراد (۲۰۰۷)
۴	- شرایط حاکم بر جامعه جهانی (خشونت و ترور) و نقش زیبایی‌شناسی و هنر در متحد ساختن عقاید مخالف	ضرورت چالش	امامی جمعه (۱۳۸۹)، اسفندیاری (۱۳۹۲)، اسماعیل‌پور (۱۳۸۶)، احمدی (۱۳۸۹)
۵	- نقش زیبایی‌شناسی در ساختن انسان‌های آزاد	ضرورت چالش	آیزنر (۱۹۹۹)، رضایی (۱۳۸۳)، انصاری و همکاران (۱۳۹۳)، امامی جمعه (۱۳۸۹) و باقری (۱۳۸۷)
۶	- نقش زیبایی‌شناسی و هنر در فراهم کردن ارزش‌های تفریحی	ضرورت چالش	آیزنر (۱۹۹۹) و مهرمحمدی (۱۳۹۰)
۷	- برای لذت‌بردن از زندگی نیازمند تجربیات زیبایی‌شناختی	ضرورت چالش	آیزنر (۱۹۹۹) و مهرمحمدی (۱۳۹۰)
۸	- آگاه‌شدن از عناصر احساساتمان از طریق هنر و زیبایی‌شناسی	ضرورت چالش	لانجر (۱۹۶۷)، علیق (۱۳۹۰)، باقری (۱۳۸۷)، اسماعیل‌پور و همکاران (۱۳۸۶)، انصاری و همکاران (۱۳۹۳)
۹	- نقش مهم هنر و زیبایی‌شناسی و		گیراد (۲۰۰۷)

تجربیات زیبایی‌شناسی در حوزه	■ ضرورت
تربیت عملی	چالش
۱۰ - نقش هدفمند هنر برای ارتقاء	■ ضرورت
سطح مهارت خواندن و نوشتن	چالش
فراگیران	

الیوت آیزنر (۱۹۹۹)

### روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق براساس هدف، کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی بوده که با روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است و داده‌های کیفی آن از منابع مکتوب گردآوری شده است. برای نمونه‌گیری از جامعه، منابع مکتوب انگلیسی و فارسی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع زنجیره‌ای استفاده شد. در گردآوری داده‌ها از ابزار فیش‌برداری برای مطالعه منابع مکتوب استفاده شد. در تجزیه و تحلیل، برای داده‌های کیفی به دست آمده از منابع مکتوب تحلیل تفسیر استفاده شد که تحلیل تفسیر به دنبال یافتن سازه‌ها، مقوله‌ها و الگوهای است که برای توصیف و تبیین پدیده مورد پژوهش به کار می‌رود (گال و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۷۷).

چنانچه پژوهش‌های علمی را براساس چگونگی به دست آوردن داده‌های مورد نیاز (طرح تحقیق) به دو دسته الف) توصیفی و ب) آزمایشی تقسیم کنیم، در این صورت پژوهش حاضر از نوع توصیفی است؛ چراکه در این پژوهش یا وضعیت موجود توصیف می‌شود یا وضعیت مطلوب. از سوی دیگر چنین فعالیتی برای شناخت بیشتر شرایط موجود با یاری دادن به فعالیت تصمیم‌گیری انجام می‌شود. همچنین با توجه به اینکه علاوه بر توصیف پدیده‌ها، موضوعات و شرایط به تحلیل نیز پرداخته می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. اگر از منظر هدف به این پژوهش نگاه کنیم می‌توانیم آن را کاربردی بنامیم، زیرا در پژوهش حاضر بهبود محصول یا فرایند «استلزامات تربیتی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی» در موقعیت واقعی مدنظر

است و این ویژگی آن را از پژوهش‌های بنیادی و تحقیق و توسعه متمایز می‌کند؛ چرا که هدف تحقیقات کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. به عبارت دیگر پژوهش‌های کاربردی به سمت کاربرد عملی دانش هدایت می‌شود و نتایج آن‌ها در تعلیم و تربیت به کار می‌رود. از سوی دیگر چنانکه رویکرد یا پارادایم زیربنایی پژوهش مدنظر باشد می‌توان این پژوهش را از نوع پژوهش کیفی دانست. ضرورت انجام این پژوهش به صورت کیفی از آنجا آشکار می‌شود که در قرن بیست و یکم ایجاد جامعه دانایی محور به عنوان چشم‌انداز مطلوب مورد توجه قرار گرفته است. در این جامعه تعلیم و تربیت از بالاترین اهمیت برخوردار است، شناخت پدیده‌های مربوط به تربیت که از طریق آن فرد و جامعه به بالاترین حد رشد و بالندگی می‌رسند، باید از بالاترین توجه در پژوهش‌های علوم انسانی برخوردار باشند (بازرگان، ۱۳۸۷: ۲۳)؛ زیرا در حال حاضر تربیت مداوم برای افراد مطرح است، بنابراین لازم است برای درک بهتر و شناخت عمقی پدیده‌های مرتبط با سازمان‌های آموزشی به ویژه تعلیم و تربیت از رویکرد پژوهش کیفی استفاده شود، از این منظر پژوهش حاضر عمدتاً کیفی است.

نکته دیگری که سعی شده است در این پژوهش مورد توجه قرار گیرد، به دست آوردن داده‌ها و اطلاعات از منابع مختلف است. این کار بدان سبب انجام شده است که با استفاده از روش‌های متنوع شناخت کل‌گرا یا جامع‌تری نسبت به پدیده مورد نظر به دست آید. بدین منظور سعی شده است خصوصیت چند بُعدی کردن<sup>۱</sup> در پژوهش خود را نشان دهد؛ چرا که این کار علاوه بر افزایش اعتبار پژوهش کیفی درک عمیق‌تر پدیده مورد مطالعه را موجب می‌شود. این نگاه چندبُعدی یا چندجانبه، هم در منابع و هم در فنون گردآوری داده‌ها وارد شده است. شاهد این ادعا استفاده از فنون مختلفی چون تحلیل محتوا، سندکاوی بررسی تطبیقی، بررسی مستندات و نظایر آن است. به علاوه داده‌ها از

<sup>۱</sup>.Tringulation

منابع مختلفی نظیر پژوهش‌ها، تولیدات تربیتی، تألیفات و کتب علمی، منابع خارجی، منابع انسانی و نظایر آن جمع‌آوری شده است.

### یافته‌های پژوهش

سؤال اول: مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی برای محتوای آموزش از دور ایران چه استلزامات تربیتی می‌تواند ارائه کند؟

برای پاسخ به این سؤال، نمونه به دست آمده از منابع مکتوب مطالعه و گزاره‌هایی به تفکیک مؤلفه‌های ۶ گانه زیبایی‌شناسی دیویی<sup>۱</sup>؛ وحدت و انسجام، خودآگاهی کیفی، احساس، ابراز، تخیل و تجسم است که این گزاره‌ها به همراه برخی از منابعی که بستر مفهومی و موضوعی گزاره‌ها در آن منابع خواه به‌طور مستقیم و خواه به‌طور غیرمستقیم مورد اشاره قرار گرفته در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۳. تلخیص استلزامات مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی استنتاجی در محتوای آموزش از دور

مؤلفه زیبایی‌شناسی	استلزامات در محتوای آموزش از دور	منابع حمایت‌گر (مستقیم یا غیرمستقیم)
	خارج کردن محتوای محتوا از توقف و سکون	(دیویی، ۱۹۸۰)
	تأکید بر حرکت، بسط و تغییر محتوا	(دیویی، ۱۹۸۰)
	افزایش کیفیت محتوا و به‌صورت تجربه واحد درآوردن آن	(دیویی، ۱۹۸۰)
وحدت و انسجام	یکپارچگی محتوا و تبدیل به یک تجربه منسجم	(دیویی، ۱۹۸۰)
	ایجاد تجربه عاطفی رضایت‌بخش	(دیویی، ۱۹۸۰)
	استفاده از محتواهای مختلف و منسجم در آموزش از دور	(دیویی، ۱۹۸۰)
	ایجاد انسجام و وحدت در محتوا	(دیویی، ۱۹۸۰)

<sup>۱</sup> . مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی برگرفته از مقاله انصاری و همکاران (۱۳۹۳) است.

	اتحاد تجربه‌های فکری و هیجانی در فراگیران	(دیویی، ۱۹۸۰)	
	آشنایی بیشتر فراگیران با میراث فرهنگی	(دیویی، ۱۹۸۰)	
خودآگاهی			
کیفی	ایجاد وحدت شخصیت، رفاه و صلح بین‌المللی	(دیویی، ۱۹۸۰)	
	ایجاد وحدت و انسجام جهانی	(دیویی، ۱۹۸۰)	
	دوری کردن فراگیران از روزمرگی و موقعیت‌های آشفته	(دیویی، ۱۹۸۰)	
	تعامل بیشتر انسان با محیط پیرامونش	(دیویی، ۱۹۶۹)	
	افزایش خودآگاهی انسان	(دیویی، ۱۹۸۰)	
	آگاه‌شدن انسان از مقاصد خویش	(دیویی، ۱۹۸۰)	
	آگاه‌شدن انسان از احساسات و پاسخ‌های احساسی خود	(دیویی، ۱۹۸۰)	
	معنادار کردن هیجانات انسان و ایجاد حرکت و تغییر در تجربه افراد	(دیویی، ۱۹۸۰)	
	تمامیت و وحدت بخشیدن به کیفیت هیجانات و آگاهانه کردن هیجانات	(دیویی، ۱۹۸۰)	
	درک کردن محتوای حسی و احساسی توسط فراگیران	(رضایی، ۱۳۸۳)	
	در جریان جهان قراردادن افراد به صورت مستقیم	(دیویی، ۱۹۸۰)	
احساس	ایجاد ارتباط و مشارکت بیشتر افراد با محیط اجتماعی	(دیویی، ۱۹۸۰)	
	تأمل و تعمق کردن شاگرد درباره تصویرهای ذهنی ناشی از احساسات هنری	(رضایی، ۱۳۸۳)	
	پرورش احساسات متعالی و بیداری وجدان انسانی	(رهبر و رحیمیان، ۱۳۸۰)	
ابراز	ایجاد کنش و واکنش و تعامل بین فرد و محیط	(دیویی، ۱۹۸۰)	
	تکمیل نیازها و رفع کاستی‌ها و نواقص آموزشی در فراگیر	(دیویی، ۱۹۸۰)	

- هدایت فراگیران به سمت جستجوی معانی و  
کشف حقایق (دیویی، ۱۹۸۰)
- افزایش توان و قدرت بیان فرد (دیویی، ۱۹۸۰)
- ابراز کردن محتوای احساسی از طریق خلق  
یک اثر هنری (دیویی، ۱۹۸۰)
- ابراز کردن ملاحظات اخلاقی از طریق بیان  
موضوعات خاص (صحبت کردن، نوشتن،  
فکر کردن و...) (دیویی، ۱۹۸۰)
- انطباق دادن بین امور قلی و امور جدید  
افاده کردن معنا و اهمیت یافتن آن از طریق  
تخیل (دیویی، ۱۹۸۰)
- بسط و توسعه تجربه مستقیم  
روبه روساختن فراگیر با تقاضای فکری و  
شناختی جدیدتر نسبت به مفاهیم و معانی  
افزایش آگاهی ما از واقعیت (دیویی، ۱۹۸۰)
- مشارکت جدی و کامل در فعالیت‌ها  
افزایش ابعاد اجتماعی هوش (دیویی، ۱۹۸۰)
- ایجاد وحدت در محتوا  
برانگیزاننده عاطفه در فراگیرا  
نقش مؤثر در رشد شخصیت، شناخت  
مشکلات و نابسامانی‌های روحی و روانی  
فراگیران (دیویی، ۱۹۸۰)
- انتقال سریع مفهوم و استقلال فکری فراگیران  
(بوربا و ویلاریل، ۲۰۰۵؛ نژادصادقی، ۱۳۷۶)
- زمینه‌ساز فرصت تمرین و کاربرد یافته‌ها  
(آیزنر، ۲۰۰۲؛ دیویی، ۱۹۸۰)

تخیل

تجسم

سؤال دوم: مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی برای روش تدریس آموزش از دور ایران  
چه استلزامات تربیتی‌ای می‌توانند ارائه کنند؟



برای پاسخ به این سؤال، نمونه به دست آمده از منابع مکتوب مطالعه و گزاره‌هایی به تفکیک مؤلفه‌های ۶ گانه زیبایی‌شناسی دیویی؛ وحدت و انسجام، خودآگاهی کیفی، احساس، ابراز، تخیل و تجسم است که این گزاره‌ها به همراه برخی از منابعی که بستر مفهومی و موضوعی گزاره‌ها در آن منابع خواه به طور مستقیم و خواه به طور غیرمستقیم مورد اشاره قرار گرفته در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول ۴. تلخیص استلزامات مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی استنتاجی در روش تدریس آموزش از دور

مؤلفه	استلزامات در روش تدریس آموزش از دور	منابع حمایت‌گر (مستقیم یا غیرمستقیم)
زیبایی‌شناسی دور	فراهم کردن تجارب زیبایی‌شناختی	(آیزنر، ۲۰۰۲؛ نوروزی و متقی، ۱۳۸۸؛ اسمیت و یادگیرنده، ۲۰۰۴، ۲۰۰۸؛ سیمپونز و دیگران، ۲۰۰۵؛ آرنشتاین، ترجمه سجادی، ۱۳۷۸)
وحدت و انسجام	افزایش شادابی، پویایی و زیباسازی فضای عاطفی و روانی اجتماعی در تدریس با استفاده از قواعد زیبایی‌شناختی	(گرامی و همکاران، ۱۳۹۴)
	ایجاد وحدت موضوع درسی و روش تدریس	(کلیبارد، ۲۰۰۶)
	ایجاد برقراری ارتباط بین تجارب نسبتاً جدید و ناتمام اما بدون واسطه و حیاتی با تجارب منطقی سازماندهی شده اما نسبتاً دور و انتزاعی نژاد بشری	(پیچ، ۲۰۰۶)
	فراهم کردن رضایت درونی یادگیرنده درباره یادگیری و تدریس	(آیزنر، ۲۰۰۲؛ اسمیت، ۱۹۷۱؛ مهرمحمدی، ۱۳۹۰؛ آیزنر، ۲۰۰۵؛ تاجدینی، ۱۳۶۹)
	اتحاد شناخت از طریق درهم آمیختن سازه‌های متمایزی مانند عقل و روح، ش	(دیویی، ۱۹۸۰)

شادمانی و سودمندی، معنا و هدف،

پویایی‌ها و وحدت

باز یافتن خویش

(دیویی، ۱۹۸۰)

خودآگاهی  
کیفی

توجه ویژه فراگیران و مربیان به زیبایی و  
آراستگی ظاهری

(مطهری الهامی، ۱۳۸۹: ۷۱)

توجه به تفاوت‌های فردی فراگیران

آی‌زنر، ۲۰۰۵؛ نوروزی و متقی، ۱۳۸۸؛  
حسین‌زاده، ۱۳۸۳)

آگاهانه کردن احساسات فراگیران  
در کلاس درس

(دیویی، ۱۹۸۰؛ کیم، ۲۰۰۹)

ساختارمند کردن تدریس

(دیویی، ۱۹۸۰)

دست یافتن فراگیران به تجربیات عمیق و  
واحد

(دیویی، ۱۹۸۰)

ایجاد شور و نشاط در زندگی افراد و  
بانشاط کردن کلاس درس

(وانگ، ۲۰۰۷)

دست‌یابی فراگیران به نشانه‌های روشن و  
آشکارسازی معانی و تحریک فکر و  
احساس افراد

(گریسون، ۱۹۹۷)

تلطیف روح و روان فراگیران

(رهبر و رحیمیان، ۱۳۸۰)

دعوت کردن فراگیران به تربیت،  
کنجکاوی و تحقیق

(شعیانی ورکی، ۱۳۸۳)

بارور کردن و پرورش قوه تعقل و  
تشخیص

(دیویی، ۱۹۸۰)

ایجاد نوآوری و خلاقیت اجتماعی در  
انسان

(دیویی، ۱۹۸۰)

نیروی محرک و استحکام بخش تجربیات  
سازنده

(دیویی، ۱۹۸۰)

دست‌یافت به زیبایی‌شناسی و لذت ناشی  
از آن

(دیویی، ۱۹۸۰)

احساس

ابراز	روشن‌سازی و آشکار کردن احساسات تیره و تار فراگیران	(دیویی، ۱۹۸۰)
	فراهم کردن فرصت بحث‌های انتقادی برای فراگیران و مربیان	(دیویی، ۱۹۶۶: ۳۵۳)
	تلفیق کردن آموزش و تدریس با بازی و دیگر هنرها	(دیویی، به نقل از رضای الهی، ۱۳۵۴)
	روی آوردن مربیان به تدریس خلاق	(دیویی، ۱۹۸۰؛ گرین، ۱۹۸۴)
	فراهم کردن امکان بازسازی موقعیت‌ها از طریق ایده‌ها	(دیویی، ۱۹۸۰)
تخیل	تبدیل کردن تدریس به یک فرم کلی و واحد	(دیویی، ۱۹۸۰)
	آگاه‌نشدن فراگیران از درز و شکاف‌های تدریس	(دیویی، ۱۹۸۰)
	اعتماد کردن فراگیر به معلم	(دیویی، ۱۹۸۰)
	تأثیر مثبت گذاشتن حرف و رفتار معلم	(دیویی، ۱۹۸۰)
	تغییرپذیری در فراگیران و نوآوری در فرایند تدریس	(دیویی، ۱۹۸۰)
	روی آوردن و توجه ویژه مربیان به تدریس خلاق	(ریتسون و اسمیت، ۱۹۷۵؛ ویلر، ۱۹۷۱؛ گرین، ۱۹۸۴؛ تاجدینی، ۱۳۶۹).
	دخالته دادن ذهن فراگیران در تدریس و فرایند آن	(دیویی، ۱۹۸۰)
	از وحدت و انسجام لازم برخوردار بودن هنر تدریس	(دیویی، ۱۹۸۰)
تجسم	فراتر رفتن اهداف در سطح تعمیم	(دیویی، ۱۹۸۰)
	رشد توانایی‌های ادراکی و شناختی و نقادی فراگیران	(دیویی، ۱۹۸۰؛ موسوی و همکاران، ۱۳۹۲)
	برقراری ارتباط بین ادراک‌های قبلی و ادراک‌ها یا آموخته‌های جدید	(دیویی، ۱۹۸۰)
	توسعه مهارت‌های استدلالی فراگیران در طول فرایند تدریس	(دیویی، ۱۹۸۰)

تفویض اختیار به فراگیران در جهت ارائه نتیجه بهتر	(دیویی، ۱۹۸۰؛ آیزنر، ۲۰۰۵)
تلفیق مطالب تدریس با احساس و عاطفه	(جعفری، ۱۳۶۹؛ نوروزی و متقی، ۱۳۸۸؛ مهرمحمدی، ۱۳۹۰؛ رضای الهی، ۱۳۵۴؛ دیویی، ۱۹۸۰)

سؤال سوم: مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی برای ارزشیابی آموزش از دور ایران چه استلزامات تربیتی می‌توانند ارائه کنند؟

برای پاسخ به این سؤال، نمونه به دست آمده از منابع مکتوب مطالعه و گزاره‌هایی به تفکیک مؤلفه‌های ۶ گانه زیبایی‌شناسی دیویی؛ از جمله وحدت و انسجام، خودآگاهی کیفی، احساس، ابراز، تخیل و تجسم است که این گزاره‌ها به همراه برخی از منابعی که بستر مفهومی و موضوعی گزاره‌ها در آن منابع خواه به طور مستقیم و خواه به طور غیرمستقیم مورد اشاره قرار گرفته در جدول شماره ۵ آمده است.

جدول ۵. تلخیص استلزامات مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی استتاجی در ارزشیابی آموزش از دور

مؤلفه زیبایی‌شناسی	استلزامات در ارزشیابی آموزش از دور	منابع حمایت‌گر (مستقیم یا غیرمستقیم)
وحدت و انسجام	توجه به ارزشیابی همه‌جانبه و کل‌گرا	(میلر، ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۸۶؛ مهرمحمدی، ۱۳۹۰؛ آیزنر، ۲۰۰۲؛ برودی، به نقل از رضایی؛ ۱۳۸۳)
	دادن تفویض اختیار به فراگیران در جهت ارائه نتایج فعالیت‌ها و عملکرد خود	(آیزنر، ۲۰۰۵؛ آیزنر، ۲۰۰۵)
	توجه به بُعد زیبایی‌شناسی آثار فراگیران در ارزشیابی از آنها	(آیزنر، ۲۰۰۵؛ آیزنر، ۲۰۰۲؛ ۱۸۳)

- توجه بیشتر به ارزشیابی کیفی و اهمیت و ضرورت آن در آموزش از دور  
(آیزنر، ۱۸۰:۲۰۰۲؛ کریتندن، به نقل از اسمیت، ۲۰۰۸؛ مهرمحمدی، ۱۳۹۰: ۳۰)
- عدم استفاده و استناد به ملاک‌ها، معیارها و انتظارات غیرقابل انعطاف و تلاش در جهت سازگاری و انطباق رفتارها و فعالیت‌های زیبایی‌شناسی فراگیران  
(امینی، ۱۳۸۴)
- ظهور تجربه‌های باکیفیت زیبایی‌شناختی در فراگیران  
(آرنشتاین، ترجمه سجادی، ۱۳۷۸)
- ایجاد قضاوت و داوری ارزشی درباره فعالیت‌ها و تجربه‌های فردی  
(آرنشتاین، ترجمه سجادی، ۱۳۷۸)
- واجد شدن زندگی انسان از یک ویژگی و کیفیت کمال‌جویانه و متعالی‌شونده معنادار کردن هیجان‌ات انسان  
(دیویی، ۱۹۸۰)
- حرکت و تغییر در تجربه فراگیران  
(دیویی، ۱۹۸۰)
- پرورش یافتن تجربیات عادی و معمولی زندگی افراد  
(دیویی، ۱۹۸۰)
- توجه به بُعد کیفی فنی و بُعد زیبایی‌شناختی آثار فراگیران  
(آیزنر، ۲۰۰۵؛ آیزنر، ۲۰۰۲: ۱۸۳)
- توجه بیشتر به ارزشیابی کیفی  
(آیزنر، ۲۰۰۲: ۱۸۰؛ کریتندن، به نقل از اسمیت ۲۰۰۸؛ مهرمحمدی، ۱۳۹۰: ۳۰)
- ارزشی‌کردن و انسانی‌کردن بار احساسات افراد و تأمل و تعمق درباره آنها  
(دیویی، ۱۹۸۰)
- ترکیب احساسات با ایده‌ها و تولید تصویرهای ذهنی از احساس  
(برودی، ۱۹۸۷)

خودآگاهی  
کیفی

(کیم، ۲۰۰۹)	به حد کمال رساندن قدرت درک افراد	احساس
(دیویی، ۱۹۳۲)	رساندن انسان‌ها به حقیقت‌های ناب	
(دیویی، ۱۹۳۲)	به شکل واحد درآوردن حقایق و تجربیات جداگانه و منفرد	
(دیویی، ۱۳۹۱)	دور ساختن فراگیران از موارد غیراخلاقی	
(کیم، ۲۰۰۹)	حذف تعصبات، از بین بردن پرده و حجاب ناشی از آداب و رسوم ایجاد شده	
(دیویی، ۱۸۸۷)	پیوند دادن عقاید انسان‌ها با یکدیگر	
(مهرمحمدی، ۱۳۹۰؛ برودی، به نقل از حسن‌زاده، ۱۳۹۲؛ جعفری، به نقل از حسن‌زاده، ۱۳۹۲)	فراهم کردن موقعیت‌های مسأله‌مدار درجهت شگفت‌زدگی، تأنی و تأمل زیباشناختی	
(آیزنر، ۲۰۰۵)	تفویض اختیار به فراگیر درجهت انتخاب فرم بازنمایی مورد دلخواه برای ارائه نتایج فعالیت‌ها و عملکرد خویش	ابراز
(دیویی، ۱۹۸۰)	هدایت کردن احساسات فراگیران به سمت اهداف معین	
(گرمابی و همکاران، ۱۳۹۴)	توسعه دید جهانی و مسائل بین‌المللی فراگیران	
(گوتشالک، به نقل از آیزنر، ۲۰۰۲)	توجه یاددهندگان به ملاحظات ارزشی و عوامل فرهنگی غالب	
(دیویی، ۱۹۸۰)	وارد شدن خلاقیت و نوآوری در زندگی فراگیران	
(دیویی، ۱۹۸۰)	ظاهر شدن معانی نهفته در اعماق وجود آدمی	
(صابری و همکاران، ۱۳۹۴)	ارتباط اجباری (ارتباط بین دو پدیده نامتجانس)	
(صابری و همکاران، ۱۳۹۴)	ایجاد فضای کالبدی مناسب و ایجاد	

	محیطی امن برای پرورش خلاقیت	
(دیویی، ۱۹۸۰)	تبدیل و تغییر در درک اخلاقی و معنایی	تخیل
	فراگیران	
(صابری و همکاران، ۱۳۹۴)	اکتشاف فعال، تأمل و تفسیر	
	ایجاد شرایط انتقادی معقولانه در	
(دیویی، ۱۹۸۰)	فراگیران	
	خستگی و دلزدگی را در فراگیر و مربی	
(دیویی، ۱۹۸۰)	از بین می‌برد	
	افزایش حس آزادی و علاقه شخصی	
(دیویی، ۱۹۸۰)	مربی در فعالیت‌های تولیدی در تعلیم و	
	تربیت	
	افزایش قدرت یادگیری و پذیرندگی	
(دیویی، ۱۹۸۰)	رشد و تکامل توانایی فکری فراگیران، و	
(دیویی، ۱۹۸۰؛ داداش‌زاده، ۱۳۵۶: ۱۷)	قوی‌تر شدن قدرت درک آنان	
	ایجاد فرصت تولید هنری برای فراگیران	تجسم
(دیویی، ۱۹۸۰؛ شرفی، ۱۳۸۶)	ایجاد نگرش تاریخی، قدرشناسی و	
(دیویی، ۱۹۸۰)	ارزش‌گذاری آثار هنری	
	توجه به راه‌حل‌های بدیل و بدیع برای	
(دیویی، ۱۹۸۰؛ آیزنر، ۲۰۰۲: ۱۹۶؛	حل یک مسأله	
مهرمحمدی، ۱۳۹۰؛ آیزنر، ۲۰۰۵)	افزایش قدرت حس آزادی و علاقه	
(دیویی، ۱۹۸۰)	شخصی فراگیران	
	افزایش سطح مهارت‌ها و توانایی‌های	
(دیویی، ۱۹۸۰؛ موسوی و همکاران، ۱۳۹۲)	عملی و کاربردی فراگیران در زمینه‌های	
	ساختن و آفرینش	

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش یک منبع اساسی و پایه مورد مطالعه قرار گرفته است، یعنی منابع مکتوب. حاصل این مطالعه استلزامات تربیتی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی برای آموزش از دور ایران بود که در جدول شماره ۳، ۴ و ۵ آمده است. اعتباربخشی در زمینه میزان تناسب مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی با حوزه آموزش از دور نشان داد که همه استلزامات تربیتی استخراج‌شده از دیدگاه صاحب‌نظران متناسب با آموزش از دور هستند.

۱- یافته‌های به‌دست آمده نشان داد که استلزامات مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی استنتاجی در محتوای آموزش از دور در مؤلفه وحدت و انسجام شامل خارج کردن محتوا از توقف و سکون، بسط و تغییر محتوا، افزایش کیفیت محتوا و به‌صورت تجربه واحد در آوردن آن، یکپارچگی و انسجام و وحدت در محتوا، ایجاد تجربه عاطفی رضایت‌بخش، اتحاد تجربه‌های فکری و هیجانی در فراگیران، آشنایی بیشتر فراگیران با میراث فرهنگی، ایجاد وحدت شخصیت، رفاه و صلح بین‌المللی و ایجاد وحدت و انسجام جهانی است که با یافته‌های رضایی (۱۳۸۳)؛ صمدی و مهرمحمدی (۱۳۸۲)؛ نجفی و متقی (۱۳۸۹)؛ تایمن و ویکویز (۲۰۱۰) و انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارند.

همچنین نتایج به‌دست‌آمده در مؤلفه خودآگاهی کیفی شامل دوری کردن فراگیران از روزمرگی و موقعیت‌های آشفته، تعامل بیشتر انسان با محیط پیرامون، افزایش خودآگاهی، آگاهی از مقاصد خویش، آگاهی از احساسات و پاسخ‌های احساسی، معنادار کردن هیجانات انسان و ایجاد حرکت و تغییر در تجربه افراد، تمامیت و وحدت‌بخشیدن به کیفیت هیجانات و آگاه کردن آنهاست که با یافته‌های انصاری و همکاران (۱۳۹۳)؛ مسگری و همکاران (۱۳۹۲)؛ آیزنر (۱۹۹۹)؛ مندوکی (۲۰۰۰) همسویی دارند.

درخصوص مؤلفه احساس، نتایج به‌دست آمده نشان داد که درک کردن محتوای حسی و احساسی، در جریان جهان قراردادن افراد به‌صورت مستقیم، ایجاد ارتباط و مشارکت بیشتر افراد با محیط اجتماعی، تأمل و تعمق کردن شاگردان درباره تصویرهای ذهنی ناشی



از احساسات هنری و پرورش احساسات متعالی و بیداری وجدان انسانی در محتوای آموزش از دور مؤثر است و با یافته‌های برودی (۱۹۹۱)؛ یو (۲۰۰۸)؛ اورماچر (۲۰۰۹) و انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همسویی دارند.

همچنین درباره مؤلفه ابراز نتایج حاصل در محتوای آموزش از دور نشان داد که ایجاد کنش و واکنش و تعامل بین فرد و محیط، تکمیل نیازها و رفع کاستی‌ها و نواقص آموزشی، هدایت فراگیران به سمت جستجوی معانی و کشف حقایق، افزایش توان و قدرت بیان فرد، ابراز کردن محتوای احساسی از طریق خلق یک اثر و ابراز کردن ملاحظات اخلاقی از طریق بیان موضوعات خاص در محتوای آموزش از دور مؤثر است و با یافته‌های مسگری و همکاران (۱۳۹۲)؛ علیق (۱۳۹۰)؛ گیراد (۲۰۰۷)؛ صادق‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)؛ رضایی (۲۳۸۳) و انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارند.

درخصوص مؤلفه تخیل نتایج نشان داد که انطباق دادن بین امور قبلی و امور جدید، افاده کردن معنا و اهمیت یافتن آن از طریق تخیل، بسط و توسعه تجربه مستقیم، روبه‌رو ساختن فراگیر با تقاضای فکری و شناختی جدیدتر نسبت به مفاهیم و معانی، دریافت واقعیت و افزایش آگاهی ما از واقعیت، مشارکت جدی و کامل در فعالیت‌ها و افزایش ابعاد هوش اجتماعی در محتوای آموزش از دور مؤثر هستند و با یافته‌های اورماچر (۲۰۰۹)؛ یو (۲۰۰۸)؛ امام جمعه (۱۳۸۹)؛ بیده (۱۳۹۰)؛ وندروین (۲۰۰۷) و انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارند.

همچنین در مؤلفه تجسم زیبایی‌شناسی سبب ایجاد وحدت در محتوا، برانگیزاننده عاطفه در فراگیران، نقش مؤثر در رشد شخصیت، شناخت مشکلات و نابه‌سامانی‌های روحی و روانی فراگیران، انتقال سریع مفهوم و استقلال فکری فراگیران و همچنین زمینه‌ساز فرصت تمرین و کاربرد یافته‌ها می‌شود و با یافته‌های مهرمحمدی و عابدی (۱۳۸۰)؛ نجفی و متقی (۱۳۸۹)؛ هاشم‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰)؛ انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همسویی دارند.

۲- یافته‌های به دست آمده نشان داد که استلزامات مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی استنتاجی در روش تدریس آموزش از دور در مؤلفه وحدت و انسجام شامل فراهم کردن تجارب زیبایی‌شناختی در یادگیرنده، افزایش شادابی، پویایی و زیباسازی فضای عاطفی و روانی اجتماعی در تدریس با استفاده از قواعد زیبایی‌شناختی، سبب ایجاد وحدت در موضوعات درسی و روش تدریس، سبب ایجاد برقراری ارتباط بین تجارب نسبتاً جدید و ناتمام اما بدون واسطه و حیاتی با تجارب منطقاً سازماندهی‌شده، اما نسبتاً دور و انتزاعی نژاد بشری، فراهم کردن رضایت درونی یادگیرنده درباره یادگیری و تدریس، اتحاد شناخت از طریق درهم آمیختن سازه‌های تمایزی مانند عقل و روح، شادمانی و سودمندی، معنا و هدف، پویایی‌ها و وحدت می‌شود و با یافته‌های مهرمحمدی (۱۳۹۰)؛ مسگری و همکاران (۱۳۹۲)؛ انصاری و همکاران (۱۳۹۳)؛ یو (۲۰۰۸)؛ اورماچر (۲۰۰۹)؛ صادق‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) و کلی و وستوود (۲۰۱۰) همخوانی دارند.

همچنین درخصوص مؤلفه خودآگاهی کیفی، توجه ویژه فراگیران و مربیان به زیبایی و آراستگی ظاهری، توجه به تفاوت‌های فردی فراگیران. آگاهانه کردن احساسات فراگیران در کلاس درس، ساختارمند کردن تدریس، دست یافتن فراگیران به تجربیات عمیق و واحد، ایجاد شور و نشاط در زندگی افراد و بانشاط کردن کلاس درس و همچنین دست‌یابی فراگیران به نشانه‌های روشن و آشکارسازی معانی و تحریک فکر و احساس افراد است که با یافته‌های هاشم‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰)؛ ناکامارا (۲۰۰۹)؛ اورال (۲۰۰۷)؛ مهرمحمدی و عابدی (۱۳۸۰)؛ رضایی (۱۳۸۳)؛ اسماعیل‌پور (۱۳۸۶)؛ امام جمعه (۱۳۸۹) و انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همسویی دارند.

نتایج حاصل از مؤلفه احساس، سبب تلطیف روح و روان فراگیران، دعوت کردن فراگیران به تربیت، کنجکاوی و تحقیق، بارور کردن و پرورش قوه تعقل و تشخیص، ایجاد نوآوری و خلاقیت اجتماعی در فراگیران، نیروی محرک و استحکام‌بخش تجربیات

سازنده می‌شود و با یافته‌های هاشم‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰)؛ مسگری و همکاران (۱۳۹۲)؛ یو (۲۰۰۸)؛ اورماچر (۲۰۰۹) و انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد. همچنین نتایج به‌دست‌آمده از مؤلفه ابراز، سبب دست‌یافتن به زیبایی‌شناسی و لذت ناشی از آن، روشن‌سازی و آشکارکردن احساسات تیره و تار فراگیران، فراهم کردن فرصت بحث‌های انتقادی برای فراگیران و مربیان، تلفیق کردن آموزش و تدریس با بازی و دیگر هنرها و روی آوردن مربیان به تدریس خلاق است که با یافته‌های رضایی (۱۳۹۲)؛ مسگری و همکاران (۱۳۹۲)؛ یو (۲۰۰۸)؛ اورماچر (۲۰۰۹) و انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

درخصوص مؤلفه تخیل، نتایج حاصل از یافته‌ها شامل فراهم کردن امکان بازسازی موقعیت‌ها از طریق ایده‌ها، تبدیل کردن تدریس به یک فرم کلی و واحد، آگاه‌نشدن فراگیران از درز و شکاف‌های تدریس، اعتماد کردن فراگیر به معلم، تأثیر مثبت گذاشتن حرف و رفتار معلم، تغییرپذیری در فراگیران و نوآوری در فرایند تدریس، روی آوردن و توجه ویژه مربیان به تدریس خلاق، دخالت دادن ذهن فراگیران در تدریس و فرایند آن و از وحدت و انسجام لازم برخوردار بودن هنر تدریس را می‌توان نام برد که با یافته‌های یو (۲۰۰۸)؛ گیراد (۲۰۰۷)؛ وندروین (۲۰۰۷)؛ آیزنر (۱۹۹۹)؛ انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارند.

همچنین در مؤلفه تجسم، نتایج به‌دست آمده شامل فراتر رفتن اهداف در سطح تعمیم، رشد توانایی‌های ادراکی و شناختی نقادی فراگیران، برقراری ارتباط بین ادراک‌های قبلی و ادراک‌ها یا آموخته‌های جدید، توسعه مهارت‌های استدلالی فراگیران در طول فرایند تدریس، تفویض اختیار به فراگیران در جهت ارائه نتیجه بهتر و تلفیق مطالب تدریس با احساس و عاطفه است که با یافته‌های لانجر (۱۹۶۷)؛ علیق (۱۳۹۰)؛ باقری (۱۳۸۷)؛ اسماعیل‌پور (۱۳۸۶)؛ اورماچر (۲۰۰۹)؛ یو (۲۰۰۸)؛ گیراد (۲۰۰۷) و انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی و همسویی دارند.

۳- یافته‌های به‌دست آمده نشان داد که استلزامات مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی استنتاجی در ارزشیابی آموزش از دور در مؤلفه وحدت و انسجام شامل افزایش و توجه بیشتر به میزان وحدت و هماهنگی بین تمام قسمت‌های برنامه آموزش از دور، توجه به ارزشیابی همه‌جانبه و کل‌گرا، دادن تفویض اختیار به فراگیران در جهت ارائه نتایج فعالیت‌ها و عملکرد فرد، توجه به بُعد زیبایی‌شناسی آثار فراگیران در ارزشیابی از آنها، توجه بیشتر به ارزشیابی کیفی و اهمیت و ضرورت آن در آموزش از دور، عدم استفاده و استناد به ملاک‌ها، معیارها و انتظارات غیرقابل انعطاف و تلاش در جهت سازگاری و انطباق رفتارها و فعالیت‌های زیبایی‌شناسی فراگیران است که با یافته‌های کلی و وستوود (۲۰۱۰)؛ تایمن و وجیکیویز (۲۰۱۰)؛ اورماچر (۲۰۰۹)؛ گیراد (۲۰۰۷) و انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

همچنین درخصوص مؤلفه خودآگاهی کیفی، نتایج به‌دست آمده از یافته‌ها شامل ظهور تجربه‌های با کیفیت زیبایی‌شناختی در فراگیران، ایجاد قضاوت و داوری ارزشی درباره فعالیت‌ها و تجربه‌های فردی، واجدشدن زندگی انسان از یک ویژگی و کیفیت کمال‌جویانه و متعالی‌شونده، معنادار کردن هیجانات انسان، حرکت و تغییر در تجربه فراگیران، پرورش یافتن تجربیات عادی و معمولی زندگی افراد، در ارزشیابی آثار فراگیران علاوه بر توجه به بُعد کیفی فنی به بُعد زیبایی‌شناختی آنها هم توجه می‌شود. این نتایج با یافته‌های رضایی (۱۳۹۲)؛ علیق (۱۳۹۰)؛ بیده (۱۳۹۰)؛ صادق‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) و انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همسویی دارند.

در مؤلفه احساس یافته‌های به‌دست آمده شامل ارزشی‌کردن و انسانی‌کردن بار احساسات افراد و تأمل و تعمق درباره آنها، ترکیب احساسات با ایده‌ها و تولید تصویرهای ذهنی از احساس، به حد کمال رساندن قدرت درک افراد، رساندن انسان‌ها به حقیقت‌های ناب، به شکل واحد درآوردن حقایق و تجربیات جداگانه و منفرد، دور ساختن فراگیران از موارد غیراخلاقی، حذف تعصبات، از بین بردن پرده و حجاب ناشی از آداب

و رسوم ایجاد شده، پیوند دادن عقاید انسان‌ها با یکدیگر است و با یافته‌های یو (۲۰۰۸)؛ گیراد (۲۰۰۷)؛ رضایی (۱۳۹۲)؛ صابری و همکاران (۱۳۹۱) و انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همسویی دارند.

همچنین در مؤلفه ابراز، فراهم کردن موقعیت‌های مسأله‌مدار در جهت شگفت‌زدگی، تأنی و تأمل زیباشناختی، تفویض اختیار به فراگیر در جهت انتخاب فرم بازنمایی مورد دلخواه برای ارائه نتایج فعالیت‌ها و عملکرد خویش، هدایت کردن احساسات فراگیران به سمت اهداف معین، توسعه دید جهانی و مسائل بین‌المللی فراگیران، توجه یاددهندگان به ملاحظات ارزشی و عوامل فرهنگی غالب از نتایج یافته‌های حاصل از این مؤلفه است که با یافته‌های فتحی واجارگاه و همکاران (۱۳۹۰)؛ بیده (۱۳۹۰)؛ هاشم‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰)؛ صادق‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)؛ امام جمعه (۱۳۸۹) و انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارند.

درخصوص مؤلفه تخیل، نتایج حاصل از یافته‌ها شامل وارد شدن خلاقیت و نوآوری در زندگی فراگیران، ظاهرشدن معانی نهفته در اعماق وجود آدمی، ارتباط اجباری (ارتباط بین دو پدیده نامتجانس)، ایجاد فضای کالبدی مناسب و ایجاد محیطی امن برای پرورش خلاقیت، تبدیل و تغییر در درک اخلاقی و معنایی فراگیران، اکتشاف فعال، تأمل و تفسیر، ایجاد شرایط انتقادی معقولانه در فراگیران، خستگی و دلزدگی را در فراگیر و مربی از بین می‌برد و افزایش حس آزادی و علاقه شخصی مربی در فعالیت‌های تولیدی در تعلیم و تربیت است که با یافته‌های باقری (۱۳۸۷)؛ شمشیری و نقیب‌زاده (۱۳۸۴)؛ رضایی (۱۳۸۳)؛ مهرمحمدی و عابدی (۱۳۸۰)؛ یو (۲۰۰۸)؛ اورماچر (۲۰۰۹)؛ و انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

درنهایت در مؤلفه تجسم، افزایش قدرت یادگیری و پذیرندگی، رشد و تکامل توانایی فکری فراگیران و قوی‌ترشدن قدرت درک آنان، ایجاد فرصت تولید هنری برای فراگیران، ایجاد نگرش تاریخی، قدرشناسی و ارزش‌گذاری آثار هنری، توجه به

راه‌حل‌های بدیل و بدیع برای حل یک مسأله، افزایش قدرت حس آزادی و علاقه شخصی برای فراگیران، افزایش سطح مهارت‌ها و توانایی‌های عملی و کاربردی فراگیران در زمینه‌های ساختن و آفرینش است که با یافته‌های اورماچر (۲۰۰۹)، ناکامارا (۲۰۰۹)؛ یو (۲۰۰۸)؛ تایمن و وجیکیویز (۲۰۱۰) و انصاری و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارند.

به‌طورکلی یافته‌های پژوهش حاکی از قابلیت زیبایی‌شناسی به‌عنوان یک پارادایم و چشم‌انداز برای آموزش از دور است. این چشم‌انداز منبعث‌کننده مؤلفه‌هایی است که می‌توانند در کنار مؤلفه‌های ملهم از روان‌شناسی، فلسفه آموزش و پرورش، جامعه، فناوری اطلاعات و ارتباطات، آموزش از دور و... قرار گیرند و تصمیمات برنامه‌ریزان درسی را متأثر سازند؛ با این حال اگرچه مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی در آموزش و پرورش به‌خصوص آموزش از دور استلزامات تربیتی ارائه می‌کند، چنانچه این تجربه زیبایی‌شناسی به درستی درک شود و شرایط عملی و اجرایی آن فراهم شود سبب ایجاد رضایت‌مندی، مشارکت فعال، اتحاد و همدلی، ارزشی‌کردن، ارزشی‌بارآوردن، ایجاد خلاقیت و نوآوری، قدرشناسی، افزایش سرعت عمل در یادگیری، تفویض اختیار، برقراری عدالت آموزشی و... در فراگیران در آموزش از دور خواهد شد. از طرف دیگر مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی سبب خواهند شد که فراگیران، جهان را به شکل متفاوتی ببینند و تجربیات تربیتی و یادگیری و انسجام فرهنگی را در فراگیران افزایش می‌دهد.

از طرف دیگر از آنجا که زیبایی‌شناسی به‌عنوان یکی از ساحت‌های وجودی انسان مطرح بوده (فوشی، ۱۹۷۴) و می‌تواند الهام‌بخش و وسیله تربیت باشد، با کاربردی مؤلفه‌هایی که در یافته‌ها بدان‌ها اشاره شده، مطابق دیدگاه دیویی و دیگر اندیشمندان می‌توان تربیت و آموزش را از طریق زیبایی‌شناسی و آموزش از دور به سرانجام رساند. نیل به این مقصود مستلزم آشنایی تصمیم‌گیرندگان و مجریان برنامه‌های آموزش از دور با این مؤلفه‌ها و جلب نظر آنان است.

در پایان می‌توان گفت استلزامات تربیتی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی منجر به افزایش میزان رضایت‌خاطر در فراگیران خواهد شد و یک برنامه مطلوب آموزشی و تربیتی برای فراگیران متناسب با علایق آن‌ها ایجاد خواهد کرد و سبب خواهد شد که فراگیران بیرون از محیط آموزشی رسمی گرایش و هیجان بیشتری داشته باشند.

### محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش

درخصوص محدودیت‌های پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- درجهت کسب تجارب سایر کشورها درخصوص پژوهش، اگرچه سعی شده است از آخرین منابع موجود استفاده شود، ولی چنانچه این امکان فراهم بود که بتوان از نزدیک تجارب آن‌ها به صورت ملموس و عینی تجربه شود، بی‌شک در غنای یافته‌های پژوهش مؤثر بود.

۲- مورد دوم اینکه مقوله هنر به خصوص زیبایی‌شناسی با توجه به قلمرو خاص خود در برنامه درسی رسمی و تربیتی کشور مقوله مغفولی است و خلأ آن نیز در آموزش از دور بیشتر احساس می‌شود، به همین دلیل نیازمند روش‌شنایی و وضوح بیشتر و همچنین طراحی دقیق‌تر است؛ بنابراین این مغفول بودن، از محدودیت‌هایی بود که در یافته‌های پژوهش مؤثر بود.

۳- فقر تجارب بومی در این پژوهش بی‌شک بر کیفیت پژوهش حاضر مؤثر بوده است؛ بنابراین پژوهش حاضر به عنوان نخستین پژوهش خود، کمتر پیشینه‌ای داشته است تا بتوان برخی از اقدامات پژوهشی را از آن تجربه کرد و بدین ترتیب پژوهشگر انرژی مضاعفی در این زمینه صرف کرده است.

۴- از دیگر محدودیت‌های پژوهش، کمبود منابع داخلی و حتی خارجی درخصوص ارتباط بین استلزامات تربیتی زیبایی‌شناسی دیویی و آموزش از دور است که جستجوی متعدد در منابع موجود شاهدهی بر این امر است.

۵- محدودیت دیگر در این پژوهش استنباط و استخراج محتوای موردنظر و استلزامات تربیتی براساس منابع موجود و براساس دیدگاه‌های دیویی، نیازمند توجه دقیق و عمق بیشتر بود که پژوهشگر در این زمینه تلاش کرده و منابع مورد نیاز را طبق سؤالات پژوهش استنباط و استخراج کرد.

۶- محدودیت دیگر پژوهش این است که درباره آموزش از دور، مقالات و آثار مکتوب متعددی منتشر شده است؛ ولی در این بین محتوا، روش تدریس و ارزشیابی به‌طور کامل و جامع به آن نپرداخته است که حتی بتوان استلزام تربیتی برای آن‌ها متصور شد؛ اما پژوهشگر تلاش خود را برای محقق‌شدن این امر انجام داده است.

از آنجا که انجام این پژوهش زوایای مختلفی از موضوع زیبایی‌شناسی دیویی را آشکار ساخت، پیشنهادها زیر مطرح می‌شود، البته پیش از آن پیشنهاد می‌شود که هر یک از یافته‌های پژوهش می‌تواند در جای خود مورد بهره‌برداری قرار گیرد و نه فقط در آموزش از دور، بلکه یافته‌های به‌دست آمده منبع مفیدی برای دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران آموزشی و تربیتی، به‌خصوص برنامه درسی و تربیتی مدارس و آموزش عالی خواهد بود.

۱- بررسی نقش تربیتی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی در نظام آموزش عالی ایران؛

۲- بررسی نقش تربیتی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی در محتوا، ارزشیابی و روش

تدریس در آموزش ابتدایی و متوسطه ایران؛

۳- نقش هنر و زیبایی‌شناسی در نظام آموزش از دور ایران در مقایسه با نظام

آموزشی سایر کشورها؛



- ۴- طراحی الگوی تربیتی مطلوب مطابق با مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی دیویی برای نظام تربیتی و آموزشی ایران (ابتدایی و متوسطه و آموزش عالی)؛
- ۵- استلزامات تربیتی استنتاجی از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان تربیتی و هنری از جمله: برودی، باومگارتن، آیزنر، فارابی و ابن‌سینا در نظام آموزشی ایران؛
- ۶- ارتباط بین آموزش از دور و آموزش سنتی در توجه به نقش تربیت هنری و زیبایی‌شناسی در امر آموزش.



### منابع و مأخذ

۱. آرنشتاین، دونالد. (۱۳۷۸). زیبایی‌شناسی در تعلیم و تربیت (چند مبحث اساسی) ترجمه سید مهدی سجادی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲. ابراهیم‌زاده، عیسی. (۱۳۸۷). آموزش بزرگسالان. تهران: انتشارات پیام نور.
۳. اسماعیل‌پور، علی. (۱۳۸۶). موسیقی در تاریخ و قرآن. چاپ اول. تهران: نشر مؤلف.
۴. الیاس، جان. (۱۳۸۱). فلسفه تعلیم و تربیت (قدیم و معاصر). ترجمه عبدالرضا ضرابی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۵).
۵. امام‌جمعه، محمدرضا. (۱۳۸۵). نقد و بررسی رویکردهای نوریس فکورانه. تهران: فصلنامه علمی پژوهشی انجمن مطالعات برنامه درسی، شماره ۳، صص ۶۶ - ۳۰.
۶. امامی، جمعه، سید مهدی. (۱۳۸۹). فلسفه هنر در عشق‌شناسی ملاصدرا. تهران: فرهنگستان هنر
۷. امینی، محمد. (۱۳۸۴). تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش. تهران: نشر آبیژ.
۸. انصاری، مریم و همکاران. (۱۳۹۳). تحلیلی بر نظریه تجربه زیبایی‌شناسی جان دیویی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال یازدهم، دوره دوم، شماره ۱۴ (پیاپی ۴۱).
۸. ابیده، علیرضا. (۱۳۹۰). بررسی و تبیین چیستی هنر و زیبایی از منظر علامه جعفری (ره) و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۹. باقری، خسرو. (۱۳۸۷). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. بازرگان، عباس. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کمی و کیفی آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: نشر دیدار.
۱۱. تاجیک، علیرضا و حسینی قلعه‌بهنمن، سید اکبر. (۱۳۹۱). هنر و زیبایی در اندیشه آیت‌اله مصباح. فصل‌نامه معرفت فلسفی، سال دهم، شماره اول، پاییز ۹۱، ۱۶۷-۱۹۸.

۱۲. جعفری، محمدتقی. (۱۳۶۹). زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام. تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. حسن‌زاده، روح‌اله. (۱۳۹۲). مقایسه دیدگاه‌های علامه جعفری و هری برودی درباره تربیت زیباشناختی. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
۱۴. دولت‌آبادی، شیوا؛ عشایری، حسن. (۱۳۷۶). زیرساخت‌های عاطفی-هیجانی هنر و پیش علم. پرورش پیش علمی در آموزش و پرورش. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۱۵. رضایی، منیره. (۱۳۸۳). نقد و بررسی نظریه زیباشناسی برودی در تعلیم و تربیت. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
۱۶. رضایی، منیره. (۱۳۹۲). تربیت هنری در نظام آموزشی ایران. فصل‌نامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، شماره ۲۲، ۱۴.
۱۷. رضای الهی، محمود. (۱۳۵۴). فلسفه هنر. تهران: انتشارات مدرسه عالی ورزش.
۱۸. رهبر، محمدتقی و محمدحسن رحیمیان. (۱۳۸۰). اخلاق و تربیت اسلامی. چاپ ششم. تهران: انتشارات سمت.
۱۹. شرفی، حسن. (۱۳۸۶). آموزش هنر متناسب با فعالیت‌های زیباشناسانه، تولید هنری و مفاهیم وابسته. دانشگاه تهران: نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۳۲.
۲۰. شمشیری، بابک؛ نقیب‌زاده، عبدالحسین. (۱۳۸۴). فرایند تعلیم و تربیت با اقتباس از مبانی عرفان اسلامی، دو ماهنامه دانشور رفتار. سال ۱۲. شماره ۱۲.
۲۱. علیق، محمدحسن. (۱۳۹۰). تبیین دیدگاه‌های زیباشناختی ابوحنیفان توحیدی در تعلیم و تربیت و نقد آرای زیبایی‌شناختی الیوت آیزنر براساس آن. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
۲۲. علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۸۸). نظریه اسلامی تعلیم و تربیت. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

۲۳. فتحی واجارگاه، کورش؛ ابراهیم‌زاده، عیسی؛ فرج‌اللهی، مهران؛ خشنودی، مهرانوش. (۱۳۹۰). روند بین‌المللی‌سازی برنامه‌های درسی با رویکرد آموزش از دور در آموزش عالی ایران. فصل‌نامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال دوم، شماره ۲، ۱۰۶-۷۷.
۲۴. صادقی‌زاده، علیرضا؛ حسینی، محمد؛ کشاورز، سوسن و احمدی، آمنه. (۱۳۸۹). گزارش نهایی پژوهش ملی آموزش و پرورش. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
۲۵. صابری، رضا و سعیدی رضوانی، محمود. (۱۳۹۱). کاربرد زیباگرایی و هنر در تربیت دینی. دوفصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۱۵، ص ۱۱۳.
۲۶. گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. ترجمه جمعی از مؤلفان. تهران: انتشارات سمت.
۲۷. گرمایی، حسن علی؛ ملکی، حسن؛ بهشتی سعید؛ افهمی، رضا. (۱۳۹۴). بازشناسی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی از منظر منابع مکتوب و دیدگاه صاحب‌نظران. فصل‌نامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال ۱۰، شماره ۳۹.
۲۸. مایر، فردریک. (۱۳۷۴). تاریخ اندیشه‌های تربیتی. ج ۲. ترجمه علی‌اصغر فیاض. تهران: انتشارات سمت.
۲۹. موسوی، سید صاحب، رهنما، اکبر و فرمهبینی فراهانی، محسن. (۱۳۹۲). هنر و تعلیم و تربیت. تهران: دارینوش.
۳۰. مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۰). تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم و تربیت: درس‌های خُرد و کلان برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر. تهران: فصل‌نامه تعلیم و تربیت. سال ۲۷، شماره ۱۰۵، ۱۱.
۳۱. مهرمحمدی، محمود و عابدی، لطفعلی. (۱۳۸۰). ماهیت تدریس و ابعاد زیباشناختی آن. مجله مدرس علوم انسانی. شماره ۲۰،

۳۲. مهرمحمدی، محمود. (۱۳۶۸). نقش قابلیت‌های زیباشناختی در آموزش علوم تجربی. اصفهان: نخستین سمینار آموزش علوم تجربی در دوره ابتدایی.
۳۳. مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۳). آموزش عمومی هنر، چستی، چرایی و چگونگی. تهران: انتشارات مدرسه.
۳۴. مهدوی نژاد، محمد جواد؛ قدمی، مجید و افضل‌ی، کوثر. (۱۳۹۰). نقش هنر در تربیت معنوی، فصل‌نامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۰، ۱۰۸-۹۱.
۳۵. نجفی، محمد؛ متقی، زهره. (۱۳۸۹). پیامدهای تربیتی آموزش نظام احسن از دیدگاه اسلام. دو فصل‌نامه تربیت اسلامی، سال ۵، شماره ۱۱.
۳۶. نجفی، حسین؛ فرج‌اللهی، مهران؛ نوروززاده، مهران و سرمدی، محمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی نقش نظام آموزش از دور بر توسعه منابع انسانی در دانشگاه پیام نور (ایران). فصل‌نامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. سال ۹، دوره ۲، شماره ۸، ۷۳-۶۰.
۳۷. نوروزی، رضاعلی و متقی، زهره. (۱۳۸۸). زیبایی‌شناسی از منظر علامه جعفری و پیامدهای تربیتی آن. فصل‌نامه بانوان شیعه، سال ۶، شماره ۲۱.
38. Alexander, T.M. (1987). *John Dewey, s theory of art, experience, and nature: The horizons of feeling*. Albany: State University of New York Press.
39. Anttila, E. & Sansom, A. (2012). *Movement, embodiment and creativity. Perspectives on the value of dance in early education*. In O. Saracho (ed.) *Contemporary perspectives on research in creativity in early childhood education*. Charlotte: Information Age Publishing, 179-204
41. Anttila, E. (2015). *Embodied learning in the arts*. In S. Schonmann (ed.) *Wisdom of the many key issues in arts education. International Yearbook for Research in Arts Education*. New York: Waxman, 372-37
42. Atalay Mesfin Anteneh, A.M & Wubshete, B (2014). *A comparative study on implementation of aesthetics education in selected government and private school in*

43. debremarkos town. *Education Journal*. Vol. 3, No. 1, 2014, pp. 15-23.  
doi: 10.11648/j.edu.20140301.13
44. Ally, M. (2004). *Foundation of educational theory for online learning*. In *Theory and Practice of Online Learning*. Terry Anderson & Fathi Elloumi, An edited collection of research and reflection on online learning by AU authors Athabasca University, 2004 Editors: Terry Anderson & Fathi Elloumi. Retrieved on September 15, 2006 from [http://cde.athabascau.ca/online\\_book/ch1.html](http://cde.athabascau.ca/online_book/ch1.html).
45. Berge, Z.L. (1997). Computer conferencing and the online classroom. *International Journal of Educational Telecommunications*, 3 (1).
46. Budd, M. (2008). *The Aesthetics*. In *The Routledge Encyclopedia Edit* by Bery Gaut and Dominic Goldman, Mclver Lopes
47. Broudy, H. S. (1991). How basic is aesthetic education? or is R, T the Fourth R? *Educational Leadership*, Vol 35 No 2.
48. Choi, J & Sojer, T. (2016). *Aesthetic Education: a Korean and an Austrian Perspective*. *Current Issues in Comparative Education (CICE)* Volume 19, Issue 1, Fall 2016
49. Chapman, J. (2013). *The pragmatics and aesthetics of knowing: implications for online education*. *Kybernetes*, Volume: 42 Issue: 8, 2013
50. Clark, R. E. (1983). *Reconsidering research on learning from media*. *Review of Educational Research*, 53(4), 445-459.
51. Chia-Hui Ko and Mei-Ju Chou (2014). *AESTHETICS IN EARLY CHILDHOOD EDUCATION: THE COMBINATION OF TECHNOLOGY INSTRUMENTS IN CHILDREN'S MUSIC, VISUAL ARTS AND PRETEND PLAY*. *Journal of Social Sciences* 10 (1): 39-45, 2014
52. Denac, O. (2014). *The Significance and Role of Aesthetic Education in Schooling*. *Creative Education*, 5(19), 1714-1719
53. Denac, O., Čagran, B., Denac, J., & Sicerl Kafol, B. (2011). *Arts and Cultural Education in Slovenian Primary Schools*. *The New Educational Review*, 24, 121-132.
54. Dewey, John (1929). *Experience and Nature*. In J. A. Boylston (Ed), *John Dewey: The Later works*, Vol. 1. Carbondale and Edwardsville: Southern ILLionis University Press.
55. Dewey, J. (1922). *Human Nature and Conduct*, New York: Henry Hott & Company.
56. Dewey, J. (1909). *Moral Principles in Education*, New York: Houghton Mifflin Company.

57. Dewey, J. (1916). *Democracy and Education*. In J. A. Boylston (Ed), *John Dewey: The middle works, VOL. 9. Carbondale & Edwardsville: Southern Illinois University Press*.
58. Dewey, J. (1932). *Ethics*. In J. A. Boylston (Ed), *John Dewey: The middle works, VOL. 9. Carbondale & Edwardsville: Southern Illinois University Press*
59. Dewey, J. (1980). *Art as Experience*. In J.A. Boylston(Ed), *John Dewey: The Later Works, Vol10, Carbondale and Edwardsville: Southern Illinois University Press*.
60. Dewey, J. (1988). *Human Nature and Conduct in Boydstone, J. (ed) John Dewey the Middle Works Vol 14. Carbondale and Edwardsville: Southern Illinois University Press*.
61. Dewey, J. (2008). *Ethics in Boydstone, J. (ed) John Dewey the Later Works Vol 7. Carbondale and Edwardsville: Southern Illinois University Press*.
62. *Carbondale and Edwardsville: Southern Illinois University Press*.
63. Dewey, J. (1989). *Art as Experience in Boydston, J. (ed) John Dewey the Later Works Vol 10 Carbondale and Edwardsville: Southern Illinois University Press*.
64. Donoghue, D. (2003). *Speaking of beauty. New Haven: Yale University Press*.
65. Eisner, E. (1998). *Does experience in the arts boost academic achievement? In Eisner, The Kind of Schools We Need PP: 87 – 100*
66. Eisner, E. (1987). *What Do the Arts Teach? Improving schools, Volum 1, Number 30-*
67. Eisner, E. (2002). *The Arts and the Creation of mind. Yale university press, New Haren*
68. Eisner, E. (2009). *What can Education Lean from the Arts? Art Education, Volume 62, No 2p6-9*.
69. Eisner, E. (1999). *Getting down to basics in arts education. Journal of Aesthetic education, winter 1999, Vol.33, Issue 4, pp145-159*
70. Eisner, E. (2001). *Should we create new aims for art education art education, September2001, Vol. 54, Issue5, pp6-10*
71. Eisner, E. (2005). *Reimagining schools: the selected works of Elliot w. Eisner. Published in the USA and Canada by Routledge*.
72. Eisner, E. (1985). *Aesthetic modes of knowing. In E. Eisner (ed.), Learning and teaching the*
73. *ways of knowing: Eighty- fourth yearbook of the Society for the Study of Education,*
74. *Part II (pp. 23-36). Chicago, IL: The University of Chicago.*

75. Foshay, Arthur. W. (1974). *Toward human curriculum*. American educational research Association.
76. Granger, D.A. (2006). *John Dewey, Robert Pursing, and the Art of Living: Revisioning Aesthetic Education*. New York: Palgrave MacMillan.
77. Girod, M., Twyman, T. & Wojcikiewicz, S. (2010). *Teaching and Learning Science for Transformative, Aesthetic Experience*, *Journal of Science Teacher Education*, Auburn: 21, 7, 801
78. Garrison, J. (1997). *Dewey and Eros: wisdom and Desire in the Art of Teaching*. New York and London: Teachers College, Columbia University.
79. Girod, M. (2007). *A conceptual over view of the Role of Beauty and Aesthetics in Science and Science Education*. *Studies in Science Education*, Vol 430. PP: 38-61
80. Green, Maxine. (1981). *The art of being present: educating for aesthetic encounters*. *Journal of education*. Volum 166. Number 2. Trustees of Boston University.
81. Green, Maxine. (1984). *The art of being present: educating for aesthetic encounters*. *Journal of education*. Volum 166. Number 2. Trustees of Boston University.
82. Greene, M. (1999). *Variations on a blue guitar: The Lincoln Center Institute lectures on aesthetic*
83. *education*. New York: Teachers College Press.
84. Greene, Maxine. (1995). *Releasing the imagination: Essays on education, the arts, and social*
85. *change*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
86. Harter, L.M., M. Leeman, S. Norander, S.L. Young and W.K. Rawlins, 2008. *The intermingling of aesthetic sensibilities and instrumental rationalities-in a collaborative arts studio*. *Manage. Commun. Q.*, 21:423-453. DOI: 10.1177/0893318907313711
87. Heid, K., Estabrook, M., & Nostrant, C. (2009). *dancing with line: inquiry, democracy, and aesthetic development as an approach to art education*. *International Journal of Education & the Arts*, 10(3):121.
88. Hekkert, P., & Leder, H. (2007). *Product aesthetics*. In H. N. J. Schifferstein and P. Hekkert
89. (Eds.), *Product experience*. San Diego, CA: Elsevier Science Publishers
90. Jackson, P.W. (1998). *John Dewey and the Lessons of Art*. New Haven and London: Yale University Press.
91. Kelly, D.S. & Westwood, S.J. & Guzman, D.M. (2010). *Deweyan Multicultural Democracy, Rortian Solidarity, and the Popular Arts:*



- Krumping into Presene. Studies in Philosophy and Education. Boston:29, 5, 441.*
92. Kim, J. (2009). *Jhon Dewey, s concept of aesthetic experience: Benefits and application for degree of doctor of philosophy, West Lafayette, Indiana.*
93. Kim, J. (2009). *Dewey's Aesthetics and Today's Moral Education. E&C/Education & Culture 25 (2): 62-75*
94. Kupfer, J. (1983). *Experience as Art: Aesthetic in Everyday Life. Albany: State University of New York Press.*
95. Kroflič, R. (2007). *Educational Value of Aesthetic Experience. Sodbnapedagogika, 3, 12-30.*
96. Linman, L: Abbasi&Najam U.H. (2013). *Aesthetic Education in China. International J. Soc.Sci. education, 4(1), 305-309*
97. Lim, B., 2005. *Aesthetic experience in a dynamic cycle: Implications for early childhood teachers and*
98. *teacher educators. J. Early Childhood Teacher Educ. 25: 367-373. DOI: 10.1080/1090102050250411*
99. Mando, K. (2000). *Applying kants aesthetics to the education of the arts. Journal*
100. McLinden, M., & McCall, S., & Annette Weston., H (2006). *Developing online problem-based resources for the professional development of teachers*
- of children with visual impairment. Open Learning, 21(3)235-249.*
101. Miller, S., & Miller, K. (1999). *Using instructional theory to facilitate communication in web-based courses. Educational Technology & Society, 2(3), 99-113.*
102. Nakamara, K. (2009). *The Significance of Dewey, Aesthetics in Art Dducation in the Age of Globalization, Educational Theory. 59(4). Proquest Educational Journals.*
103. Ritson, & Smite, A, Ralph (1975). *Creative teaching of art in the elementary school. Allyn & Bacon Inc.*
104. Rovai, A. (2002). *Sense of community, perceived cognitive learning, and persistence in asynchronous learning networks. The Internet and Higher Education, 5(4), 319-332.*
105. Rourke, L., Anderson, T., Garrison, D. R. & Archer, W. (2001). *Assessing social presence in asynchronous text-based computer conferencing. Journal of Distance Education, 14 (2).*
106. Smite, A. Ralph. (2004). *Policy and arts education. included at: Handbook of research and policy in art education, Edited by Elliot.w*

- Eisner and Michael, D. Day*. pp. (87-92). Lawrence Erlbaum Associated, Inc.
107. Sawyer, W. (2008) *The national curriculum and enabling creativity. English in Australia*, 43(3) 57-67.
108. Smithe, A. Ralph. (2008). *educational aesthetics and Policy. the Journal of policy arts education review. Vol:109, No:6, July/Agust2008.*
108. Simpson, Douglas.J; Jacson, Micheal.J. B and Aycoc, Judyc. (2005). *John Dewey and the art of teaching: toward reflective and imaginative practice. Sage Publications. Thousand. London. Newdehli.*
109. Shusterman, R. (1992/2000). *Pragmatist Aesthetics: Living Beauty, rethinking Art. Oxford: Blackwell.*
110. Sternberg, R. J., Kaufman, J. C., & Pretz, J. E. (2002). *The creativity conundrum. New York: Psychology Press.*
111. Sherry, L. (1996). *Issues in distance learning. International Journal of Educational Telecommunications*, 1(4), 337-365.
112. Uhrmacher, P.B. (2009). *Toward a theory of aesthetic Learning experiences, Curriculum Inquiry. New York: vol. 39. Iss.5:pg. 613*
113. Van der Veen J. (2007). *Sametry and aesthetics in introductory physics: An experiment in inter disciplinary physics and fine arts education Proquest Dissertations and thesas 2007. Vol. 357, Issue 0035: pp. n/a. Source. Art full text (H.W. Wilson).*
114. Wang H. & Chee Y. (1991). *Supporting workspace awareness in distance learning environments: Issues and experiences in the development of a collaborative learning system. In proceedings of ICCE SchoolNet 2001- Ninth International Conference on Computers in Education. 1109-1116.*
115. Webster, J., & Hackley, P. (1997). *Teaching effectiveness in technology-mediated distance learning. Academy of Management Journal*, 40(6), 1282-1309.
116. Wheeler, D.K. (1971). *Aesthetic education and curriculum. Included at: aesthetics and problems of education. Edited by: Ralph A. Smithe. University of Illinois Press Urbana, Chicaco, London.*
117. Zeltner, P.M. (1975). *John Dewey, s Aesthetic Philosophy. Amsterdam: B.R.Gruner B.V.*
118. Windschitl, M. (1998). *The WWW and classroom research: What path should we take? Educational Researcher*, 27 (1), 28-33.